



سال یازدهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۴ • شماره ۲۳

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol.11, No. 23, Autumn & Winter 2026

الگوی تعامل خردورزانه همسران مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم: تحلیل محتوای کیفی

* سمیرا قربانخانی

** علی بیات

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی الگوی مفهومی «تعامل خردورزانه همسران» بر پایه آموزه‌های قرآن کریم و با محوریت تفسیر المیزان انجام شد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی آیات مرتبط با روابط زناشویی و خرد بود که از طریق کدگذاری نظام‌مند، مضامین اصلی استخراج شد. روایی مؤلفه‌های شناسایی شده با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR و نظر ۹ خبره در حوزه‌های روان‌شناسی، مشاوره و علوم قرآنی تأیید گردید. یافته‌ها نشان داد الگوی تعامل خردورزانه از چهار سطح مرتبط تشکیل می‌شود: شرایط علی (شامل آموزش مهارت‌محور، پشتیبانی نهادی، نگرش دینی و توانمندسازی متخصصان)؛ عوامل زمینه‌ای (مانند خودتنظیمی، خویش - رابطه آگاهی، امنیت اقتصادی و آینده‌نگری مشترک)؛ مؤلفه‌های هسته‌ای (شامل پیوند عاطفی مبتنی بر مؤدت و رحمت، تعادل نقش‌ها، تصمیم‌گیری مشارکتی، بازنگری فراشناختی، مدیریت تعارض و تعهد مسئولانه)؛ و عوامل تعدیل‌گر (شامل توکل، تاب‌آوری، بخشش و رضایت درونی). در این چارچوب، شرایط علی بستر فعال‌سازی عوامل زمینه‌ای را فراهم می‌کنند. عوامل زمینه‌ای نیز تحقق مؤلفه‌های هسته‌ای را ممکن می‌سازند؛ درحالی‌که عوامل تعدیل‌گر به‌طور هم‌زمان بر پایداری زمینه‌ها و کارآمدی مؤلفه‌های اصلی تأثیر گذاشته و از فرسودگی رابطه در شرایط تنش جلوگیری می‌کنند. برآیند این سطوح به پیامدهای زنجیره‌ای منجر می‌شود که از تعالی معنوی خانواده آغاز شده، به عدالت رابطه‌ای و هم‌گرایی عاطفی - اخلاقی می‌رسد، تاب‌آوری مبتنی بر توکل را تقویت می‌کند و در نهایت پایداری پیوند زناشویی را به ارمغان می‌آورد. این الگو گویای آن است که آموزه‌های قرآنی ظرفیت ارائه چارچوبی منسجم برای تبیین و ارتقای تعاملات زناشویی را دارا هستند.

کلیدواژه‌ها: تعامل خردورزانه، خرد، قرآن کریم، تفسیر المیزان، روابط زناشویی، الگوی مفهومی.

* کارشناسی ارشد مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، مؤسسه آموزش عالی و تخصصی عبدالعظیم حسنی (ع)، تهران، ایران

(نویسنده مسئول: jadehbarani88@yahoo.com)

** دکترای تخصصی روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

مقدمه

رابطه زناشویی به عنوان پیچیده ترین و درعین حال زیباترین پیوند انسانی، برای تداوم و غنای خود به برقراری ارتباطی مؤثر و سالم وابسته است. پژوهش ها به وضوح نشان می دهند که کیفیت و تاب آوری این رابطه در گرو تعاملاتی سازنده است. با این حال، زندگی مشترک همواره با رویدادهای منفی و پیش بینی ناپذیری روبه رو می شود که غالباً فاقد راه حل های روشن هستند (لیندن، ۲۰۱۴). در این بستر چالش برانگیز، «تعامل خردورزانه»^۲ به عنوان یک ساختار متشکل از دانش، قضاوت صحیح و مدیریت عقلانی مسائل عمیق زندگی، نقش محوری خود را ایفا می کند (استادینگر و همکاران، ۱۹۹۴). این شکل از تعامل که فقدان آن می تواند به فاصله عاطفی، کاهش همدلی و افزایش تعارضات منجر گردد، در نقطه مقابل، با تقویت نگرش آگاهانه نسبت به افکار و احساسات، عملکرد زوجین را در حیطه های رضایت، سازگاری و ثبات به شدت ارتقا می بخشد. پستوانه این رویکرد، مفهوم «خرد»^۴ است که اگرچه پیشینه ای دیرینه در فلسفه و ادیان دارد، اما ورود آن به عرصه روان شناسی به عنوان یک سازه مفید، با کارهایی از جمله اریکسون و یونگ^۵ آغاز شد و امروزه با شاخص های متعددی از سلامت (بنجن، میکس و جست، ۲۰۱۳؛ توماس^۷ و دیگران، ۲۰۱۷) و بهزیستی (تیلر، بیتس و وبستر، ۲۰۱۱)^۸ مرتبط دانسته می شود (به نقل از: بیات، ۱۳۹۹). بر این اساس، «خرددرمانی»^۹ به عنوان یک مداخله روان شناختی ظهور کرده که با تکیه بر مبانی نظری مانند «یادگیری تجربی»^{۱۰} به افراد کمک می کند تا از طریق تفکر عمیق و تحلیل تجربیات گذشته، به خود آگاهی بیشتری دست یابند (براون و رایان، ۲۰۰۳).^{۱۱} در این رویکرد، پذیرش واقعیت های زندگی به عنوان مهارتی کلیدی که ریشه در درمان های مبتنی بر ذهن آگاهی^{۱۲} دارد، مورد تأکید قرار

پژوهش های روان شناسی اسلامی

۱۶۴

پژوهش های روان شناسی اسلامی
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

1. Linden, M. F.

3. Staudinger, U. M & et al.

5. Erikson, E. H. & Yang, S. Y.

7. Tomas, M. L.

9. Wisdom Therapy.

11. Brown, K. W. & Ryan, R. M.

2. Wisdom Interaction.

4. Wisdom.

6. Bangen, K. J., Meeks, T. W. & Jeste, D. V.

8. Taylor, M., Bates, G. & Webster, J. D.

10. Experiential Learning Theory.

12. Mindfulness.

می‌گیرد (کابات زین،^۱ ۱۹۹۰). هدف نهایی، کمک به افراد و زوجین برای دستیابی به زندگی معنادار و رضایت‌بخش است. با این وجود، علی‌رغم غنای مفهومی موجود در باب خرد، یک خلأ پژوهشی اساسی در ارائه یک الگوی تعاملی عملیاتی و مبتنی بر خرد برای زوجین احساس می‌شود؛ خلأی که پر کردن آن می‌تواند راه را برای تبدیل این مفاهیم نظری به راهبردهای کاربردی در جهت تحکیم بنیان خانواده هموار سازد.

تعامل خردورزانه به عنوان ساختاری متشکل از دانش، توانایی قضاوت در موقعیت‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و مدیریت عقلانی مسائل پیچیده زندگی، یکی از ارکان اساسی ارتباط مؤثر در روابط زناشویی محسوب می‌شود (استادینگر و همکاران، ۱۹۹۴). این شکل از تعامل که در رفتارهای روزمره زوجین متجلی می‌گردد، منجر به ارتقای عملکرد آنان در حیطه‌های رضایتمندی، سازگاری و ثبات زندگی مشترک شده و نگرشی آگاهانه نسبت به افکار، احساسات و رفتارها ایجاد می‌کند. تحقیقات لیوبومیرسکی و لایوس^۲ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که هیچ

عاملی به اندازه تعاملات صحیح و مثبت نمی‌تواند در بهزیستی روان‌شناختی و کیفیت کارکردهای افراد تأثیرگذار باشد. در مقابل، فقدان این تعامل بر اساس یافته‌های هندریکس^۳ (۲۰۰۱)، گاتمن^۴ (۱۹۹۴)، سلیگمن^۵ و همکاران (۲۰۰۵) و موریس^۶ (۲۰۱۵) می‌تواند به پیامدهای ناگواری از قبیل ایجاد فاصله عاطفی، کاهش همدلی، افزایش تعارضات، کاهش رضایت زناشویی و حتی بروز مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی بیانجامد. این تأثیرات منفی تنها به زوجین محدود نمانده و بر اساس پژوهش آماتو^۷ (۲۰۰۱) فرزندان این خانواده‌ها نیز در معرض مشکلات عاطفی و رفتاری قرار می‌گیرند. با وجود اهمیت این موضوع، مفهوم خرد اگرچه در متون فلسفی و دینی از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است و توسط اندیشمندانی چون اریکسون (۱۹۶۴) به عنوان نتیجه تعارض بین یکپارچگی و ناامیدی در مرحله نهایی رشد، و

1. Kabat-Zinn, J.

2. Hendrix, H.

4. Seligman, M. E.

6. Amato, P. R.

2. Lyubomirsky, S. & Layous, K.

3. Gottman, J. M.

5. Morris, R. J.

یونگ در قالب فرآیند فردیت و کشف وجود درونی مورد توجه قرار گرفته (جوانگ، ۱۹۶۴)^۱، و در روان‌شناسی معاصر در قالب‌های مختلفی از نظام دانش تخصصی تا ترکیب ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی تعریف شده است، و در منابع اسلامی نیز با مفاهیمی چون عقل، حکمت و بصیرت همخوانی دارد (بیات، رفیعی‌هنر و جهانگیرزاده، ۱۴۰۱)، اما با این حال، خلأ ارائه یک الگوی تعاملی عملیاتی مبتنی بر خرد برای زوجین به وضوح در ادبیات پژوهشی احساس می‌شود. این کمبود، ضرورت توسعه چارچوبی کاربردی را برای تبدیل مفاهیم نظری خرد به راهبردهای مؤثر در تعاملات زناشویی نمایان می‌سازد.

درک عمیق معارف قرآنی به عنوان معجزه‌ای جاودان، تنها با رجوع به تفاسیر مستدل و متقن میسر می‌گردد. در این میان، تفسیر المیزان جایگاهی بی‌بدیل و جامع در میان تفاسیر شیعی دوره معاصر دارد. این اثر، واجد مبانی عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ادبی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی است که با روشی نوآورانه و رویکردی پژوهش‌محور به رشته تحریر درآمده است. بداعت و دقت این تفسیر از جنبه‌های صوری و معنوی، رعایت اصول صحیح تفسیر، تفکیک روشمند مباحث تفسیری، روایی و علمی، نقد و تحلیل آرای مفسران و دیگر امتیازات مشابه، آن را به اثری بی‌نظیر در تاریخ تفسیر قرآن تبدیل کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است با اتکا به تفسیر المیزان و با تمرکز بر مفاهیم کلیدی مرتبط با ساحت‌های مختلف خردورزی، از جمله «عقل»، «لُب»، «نُهی»، «بصیرت»، «علم»، «قلب»، «فکر»، «نظر»، «حِجَر»، «حکمت»، «فهم» و «حِلْم»، و نیز واژگان ناظر بر زوجیت و روابط همسران نظیر «زوج»، «زوجین»، «زوجه»، «نساء»، «امراة»، «رجل»، «بعل»، «اهل»، «ذکر» و «أنثی»، به شناسایی و تحلیل آموزه‌های قرآنی مرتبط با تعاملات زناشویی بپردازد. هدف این پژوهش، تبیین و تدوین الگوی تعامل خردورزانه همسران مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم است؛ از این رو با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم و مؤلفه‌های قرآنی مرتبط با خردورزی استخراج شده و دلالت‌های آنها در حوزه تعاملات همسران تحلیل می‌شود. مسئله محوری پژوهش آن است که آموزه‌های قرآنی

ناظر بر مفاهیم هم‌خانواده با خرد، چه ظرفیت‌هایی برای هدایت تعامل همسران در زندگی مشترک دارند؟ و این ظرفیت‌ها چگونه می‌توانند در قالب یک الگوی منسجم، ابعاد و مؤلفه‌های تعامل خردورزانه زوجین را صورت‌بندی کنند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از حیث رویکرد، کیفی است و با «تحلیل محتوای کیفی استقرایی»^۱ انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی، روشی نظام‌مند برای کشف، استخراج و صورت‌بندی الگوهای معنایی نهفته در متون است و امکان تفسیر عمیق مفاهیم در بافت طبیعی داده‌ها را فراهم می‌آورد (سیه و شانون،^۲ ۲۰۰۵؛ باردین،^۳ ۲۰۱۱). لازم به ذکر است که پژوهش حاضر در چارچوب نظریه داده‌بنیاد انجام نشده و هدف آن ارائه یک مدل نظری نیست، بلکه استخراج مقولات و سازمان‌دهی آنها در قالب یک الگوی مفهومی برآمده از داده‌هاست. با توجه به هدف پژوهش؛ یعنی طراحی «الگوی تعامل خردورزانه همسران مبتنی بر آموزه‌های قرآن با محوریت تفسیر المیزان»، این رویکرد برای شناسایی ساختار مفهومی تعامل زناشویی در قرآن انتخاب شد.

۱. جامعه و واحد تحلیل

جامعه اولیه پژوهش شامل آیاتی از قرآن کریم بود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به روابط همسران، خانواده و مفاهیم هم‌خانواده با خرد دلالت داشتند. پس از جست‌وجوی نظام‌مند بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط با زوجیت و مفاهیم عقلانی - اخلاقی، ۳۰۰ آیه به‌عنوان واحدهای معنایی اولیه شناسایی شد. با حذف موارد تکراری و آیاتی که دلالت تفسیری مستقیمی بر تعامل همسران نداشتند، ۸۰ آیه به‌همراه تبیین تفسیری آنها در المیزان به‌عنوان داده نهایی تحلیل، انتخاب گردید؛ بنابراین واحد تحلیل پژوهش، گزاره‌های معنایی مستخرج از آیات و تفسیر المیزان بود.

1. Inductive qualitative content analysis.

2. Hsieh, H. F. & Shannon, S. E.

3. Bardin, L.

۲. فرایند تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی و طی فرایندی نظام‌مند از مقایسه مستمر میان داده‌ها انجام شد. ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با تعامل همسران و خرد از متن آیات و تفاسیر استخراج و در قالب کدهای اولیه ثبت شد؛ سپس کدهای هم‌معنا یا مرتبط با یکدیگر در سطحی انتزاعی تر ادغام و ۸۰ زیرمقوله شکل گرفت. این زیرمقوله‌ها بر اساس هم‌پوشانی مفهومی در قالب ۲۶ مقوله اصلی سازمان‌دهی شدند؛ در گام نهایی، مقوله‌های اصلی در سطحی نظری‌تر تجمیع و در قالب ۵ درون‌مایه کلان صورت‌بندی شدند که ساختار مفهومی الگوی نهایی پژوهش را شکل می‌دهند: عوامل علی: بسترهای شکل‌دهنده الگو؛ مؤلفه‌های هسته‌ای: کنش‌های اصلی تعاملی؛ عوامل زمینه‌ای: شرایط تسهیل‌گر؛ عوامل تعدیل‌گر: متغیرهای تنظیم‌کننده در شرایط تنش؛ پیامدها: نتایج حاصل از تحقق تعامل خردورزانه. این فرایند نشان می‌دهد که تحلیل محتوای کیفی استقرایی، با استخراج و سازمان‌دهی مفاهیم، قادر به ارائه یک الگوی مفهومی معتبر است، بدون آنکه ادعای تولید نظریه داده‌بنیاد مطرح شود.



۱۶۸ ۳. اعتبار بخشی یافته‌ها

به منظور سنجش روایی محتوایی یافته‌ها، مؤلفه‌های هسته‌ای، عوامل زمینه‌ای و عوامل تعدیل‌گر که ماهیت رفتاری - کاربردی داشتند، در اختیار ۹ نفر از خبرگان روان‌شناسی، مشاوره خانواده و علوم قرآنی قرار گرفت. عوامل علی و پیامدها به دلیل ماهیت زمینه‌ای و تبیینی، در فرایند داوری کمی قرار نگرفتند و صرفاً به عنوان بخش‌های تبیینی الگو صورت‌بندی شدند.

برای ارزیابی کمی، از شاخص‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI) استفاده شد. نتایج نشان داد تمامی مؤلفه‌های ارزیابی شده مقادیر بالاتر از حد استاندارد توافق را کسب کردند و از روایی محتوایی مطلوب برخوردارند. همچنین بازبینی مکرر داده‌ها، مقایسه مستمر میان کدها و استناد مستقیم به شواهد قرآنی و تفسیری، به عنوان راهبردهای تقویت اعتبار کیفی پژوهش به کار گرفته شد.

یافته‌ها

برای ارائه منسجم یافته‌ها، تمامی سطوح مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر تعامل خردورزانه همسران در

یک جدول یکپارچه گردآوری شده است. جدول (۱) شامل شرایط علی، مؤلفه‌های هسته‌ای، عوامل زمینه‌ای، عوامل تعدیل‌گر و پیامدهای حاصل از تعامل خردورزانه است و نقش هر مؤلفه و عامل در تحقق کیفیت و پایداری رابطه زناشویی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱: یافته‌های حاصل از واحدهای معنایی، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و درون‌مایه‌های تعامل خردورزانه همسران مبتنی بر قرآن و تفسیر المیزان

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون‌مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل خردورزانه همسران
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا پَذِيرش درونی	«دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ هِدَايَةِ	«الْمَرءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انفال: ۲۴).	«استجابت» نوعی آمادگی درونی برای پذیرش هدایت و حیات عقلانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ۴۲ - ۴۳).	توانایی تحلیل، مقایسه و انتخاب رفتارهای خردمندانه در رابطه
«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ قَدَرَتِ كَزِينَشِي	«هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸).	عقلانی	«این آیه در میزان نشانه قدرت ارزیابی شناختی و انتخاب آگاهانه معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۵۰).	افزایش ظرفیت خودمهاری و پذیرش اصلاح در تعامل زناشویی
«إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَرْوَائَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ پالایش هیجانی	«الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ و اخلاقی عَظِيمٌ» (حجرات: ۳)	تزکیه نفس	«امتحان قلب، به معنای پالایش درونی و آمادگی اخلاقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۰).	فراهم‌سازی بستر درونی برای تغییر رفتار و رشد تعاملی
«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا/ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» خودسازی و	(شمس: ۹ - ۱۰).	تزکیه نفس	«تزکیه فرآیندی برای خودسازی آگاهانه و زمینه‌ساز هدایت رفتاری است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۹۸).	

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
			خردورزانه همسران	
«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا أَمَّا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: مسئولیت تغییر آمادگی شناختی)	درونی	- روانی	فعال سازی اراده زوجین برای اصلاح الگوهای ارتباطی و پذیرش تحول	
- تغییر اجتماعی وابسته به تحول درونی انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۱۰).				
«اذْعُرْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ آمُوزْش آموزش های وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ حِکْمَتِ محور عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵).		مهارت محور	فرآهم سازی زیرساخت معرفی برای شکل گیری رفتارهای خردمندانه در خانواده	
- حکمت آموزش روشمند و متناسب با ظرفیت مخاطب است که به رشد عقل عملی منجر می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱).				
«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶).	مسئولیت تربیتی		تقویت خودکنترلی، اخلاق مداری و پیشگیری از آسیب های تعاملی	
- مسئولیت تربیتی و آموزش هدایتگر از درون در خانواده خانواده آغاز می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۴).				
«وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَابْلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ يَادآوری بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ هِنجاری های الهی ضَرًّا إِلَّا لِلتَّعَدُّوْا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۳۱).			نهادینه سازی معیارهای الهی در تصمیم های زنشویی	
- دعوت به یادآوری مستمر آموزه های الهی در تنظیم روابط خانوادگی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۴۰).				

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون‌مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
«وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ يَبُودَ عِلْمٌ وَتَوَانِدُ سَازِي	پیوند علم و توانمندسازی		خردورزانه همسران	ارتقای کیفیت آموزش و انتقال مفاهیم الگو
فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ هَدَايت	هدایت	مربیــــــــــــان و مشاوران		
أَمْنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج: ۵۴).				
– علم حقیقی زمینه خشوع و هدایت رفتاری را				
ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۹۳).				
«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ تَرْبِيــــــــــــت	تربیت			تأمین پشتوانه علمی برای آموزش مهارت‌های تعامل خردورزانه
كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ	متخصصان دینی			
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲).				
– المیزان این آیه را مبنای شکل‌گیری				
نهادهای تخصصی تعلیم و تفقه معرفی می‌کند				
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۴ – ۴۰۵).				
«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ	مسئولیت تبیینی			تضمین انتقال صحیح و مؤثر آموزه‌های الگو به خانواده‌ها
وَلَا تَكْفُرُونَهُ فَتُبَيِّنُهُ وَرَأَاهُ ظُهُورُهُمْ وَأَشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا	عالمان			
قَلِيلًا فَيُبَيِّنُ مَا يَشْتَرُونَ» (آل عمران: ۱۸۷).				
– تأکید بر مسئولیت عالمان در تبیین معارف				
هدایتگر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۴ – ۸۵).				
«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا	محبت مسئولانه	پیوند عاطفی	مؤلفه‌های ایجاد امنیت عاطفی و هدایت‌شده	ایجاد امنیت عاطفی و زمینه همدلی پایدار
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي		هسته‌ای		
ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ» (روم: ۲۱).				
– مودت: محبت ابرازشده و فعال؛ و رحمت: دلسوزی همراه با حمایت در هنگام نیاز				
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).				
«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهُ	هم‌سرش‌تی			تعمیق همدلی، درک متقابل و انسجام عاطفی
أَزْوَاجًا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹).	انسانی			
– منشأ مشترک و مکمل بودن انسان‌ها				

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۷۴). يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا (نساء: ۱). - منشأ وجودی مشترک زن و مرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۴ - ۱۳۶).			خردورزانه همسران	تعمیق درک متقابل و پرهیز از سلطه‌نگری
«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا مَكْمَلًا بَدُونَ زَوْجَهَا...» (زمر: ۶). - پیوند وجودی و مکمل بودن زوجین (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳۸).	وجودی			تقویت حس یگانگی و همدلی عمیق
«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸). - معروف = رفتار منطبق با عق و شرع تکالیف (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲). «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْبَيْتِ فَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ النِّسَاءِ مِثْلِي وَثَلَاثَ زُرَّيَاءَ فَإِنْ بِي عِدَالَتِي خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَأَطِيعُوا أَمْرًا مِنْكُمْ» (نساء: ۳). - رعایت انصاف و عدالت عاطفی در چند همسری (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۶). «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَكُونُوا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ عَاطَفْتُمْ نُضِلُّوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۲۹). - لزوم انصاف عاطفی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۱ - ۱۰۲). «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴). - قوامیت تدبیری در اداره عادلانه خانواده نه سلطه‌گری (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۳ - ۳۴۴).	تقابل حقوق و تعادل نقش‌ها همراه با انصاف و رفتار عقلانی		تنظیم عادلانه انتظارات و مسئولیت‌ها	تضمین رفتار عادلانه و جلوگیری از تضییع حقوق، تقویت اعتماد و همکاری زوجین
				جلوگیری از بی‌عدالتی هیجانی
				پایه‌گذار مدیریت خانواده و رفتار متوازن همسران



۱۷۳

الگوی

تقابل

خردورزانه

همسران

مبتنی بر

آموزه‌های

قرآن

کریم...

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
«فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ» (بقره: ۲۲۳). – تصمیم‌گیری درباره شیر گرفتن کودک باید با تراضی و مشورت والدین باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۱).	مشورت و تراضی تصمیم‌گیری	مشارکتی	خردورزانه همسران پایه‌گذاری فرآیند عقلانی و اخلاق‌محور در تصمیم‌گیری خانوادگی	
«وَأْتِمِرُوا بِبَيْتِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق: ۶) – رفتار مبتنی بر معروف و احسان حتی در در بحران شرایط تنش توصیه شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۷).	تصمیم عقلانی		تقویت حل تعارض و تصمیم‌گیری مشترک در شرایط دشوار	
«فَإِنْ سَأَلَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَنْبِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹). – تصمیم‌گیری در طلاق با محوریت معروف و خرد احسان، رعایت انصاف و عدالت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳ – ۲۳۴).	رعایت عدالت و		تضمین تصمیم‌گیری خردمندانه و حفظ کرامت طرفین	
«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُوا حَكَمًا» (نساء: ۳۵). – سازوکار حکمیت خانوادگی، راهی خردمندانه برای حل اختلاف و تصمیم‌گیری درست است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶).	حکمیت و داوری		تسهیل تعامل همدلانه و کاهش واکنش‌های هیجانی	
«فَإِنْ سَأَلَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَنْبِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹). – تصمیم‌گیری در طلاق با محوریت معروف و احسان، بازنگری رفتارها قبل از اقدام (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳ – ۲۳۴).	بازنگری رفتاری	بازنگری رفتاری	پیشگیری از رفتارهای شتاب‌زده و تقویت عقلانیت در تعامل	
«فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ» (طلاق: ۲۳۲). – اصلاح رفتارها و رعایت انصاف در بازنگری روابط بعد از جدایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶).	اصلاح رفتارها و رعایت انصاف در بازنگری روابط بعد از جدایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶).		تسهیل بازسازی اعتماد و پیوند عاطفی	

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
			خردورزانه همسران	
«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَنِيهِمَا فَأَبْغُتُوا حَكْمًا» (نساء: حکمیت و ارزیابی ۳۵).			کاهش واکنش هیجانی و ارتقای تصمیم خردمندانه	
– سازوکار حکمیت خانوادگی و بررسی منصفانه اختلافات (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶).				
«فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ» (بقره: ۲۳۳).	مشورت و ارزیابی		تقویت مسئولیت‌پذیری و تعامل اخلاقی محور	
– تصمیم درباره شیر گرفتن کودک با تراضی و مشورت والدین و بازنگری در تصمیمات (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۱).				
«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَنِيهِمَا فَأَبْغُتُوا حَكْمًا» (نساء: ۳۵).	حکمیت و داوری	مدیریت تعارض	کاهش تنش و ارتقای تعامل اخلاقی محور	
– سازوکار حکمیت خانوادگی، راهی خردمندانه برای حل اختلاف و تصمیم‌گیری درست است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶).				
«فَلَمَّا سَكَتَ بِمَعْرُوفٍ أَوْتَرَ بِهِنَّ يَأْخُذْنَ» (بقره: ۲۲۹).	کنترل واکنش		پیشگیری از تنش و فروپاشی رابطه	
– تصمیم‌گیری در طلاق با محوریت معروف و هیجانی احسان، رعایت انصاف و عدالت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳ – ۲۳۴).				
«...وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَمَّسْكُوهُنَّ رِفْقًا إِنْ كُنْتُمْ مُدْرِكِينَ» (بقره: ۲۲۹).			تضمین تداوم تعامل و کاهش اثرات منفی اختلاف	
– آزادسازی با رعایت انصاف و پرهیز از آسیب و تأکید بر رفتار اصلاح‌گرا (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶).				
«...وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ رِعَايَةً حَقَّقُوا فِيهِ خَيْرًا» (نساء: ۱۹).			ارتقای همدلی، کاهش خشونت و پایداری تعامل	
– پرهیز از ظلم و رعایت حقوق همسر در مواجهه با اختلاف و ایجاد عدالت در رابطه (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۵ – ۲۵۶).				



۱۷۵

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
«مِثَاقًا غَلِیْظًا» (نساء: ۲۱).	مِثَاق غلیظ	تعهد مسئولانه	ایجاد پایه‌ای مستحکم برای ثبات و اعتماد در خانواده	خردورزانه همسران
- توصیف ازدواج به عنوان «مِثَاق غلیظ»؛ تعهد اخلاقی و انسانی فراتر از قرارداد صرف (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۸).				
«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸).	مسئولیت متقابل		تقویت همدلی و حفظ کرامت انسانی در تعامل روزمره	
- معروف = رفتار منطبق با عق و شرع (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲).				
«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ رِيعَاتِ حقوق لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء: ۳۲).			پیشگیری از اختلاف و تداوم تعامل متوازن	
- رعایت عدالت و پرهیز از حسادت یا آسیب به حقوق دیگران (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۶ - ۳۳۹).				
«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶).	حفاظت خانواده		تثبیت امنیت روانی و معنوی خانواده و رشد مشترک	
- حفاظت معنوی و اخلاقی از خانواده و رعایت حدود شرعی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۴).				
«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۱).	خودتنظیمی		عوامل کاهش تنش‌های هیجانی زمینه‌ای و فراهم‌سازی بستر گفت‌وگوی عقلانی	
- سکینه، مؤدت و رحمت نشانه آرامش درونی حاصل از پیوند متعادل تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).				
«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷).	مهار تمایلات		تعدیل خواسته‌های فردی به نفع مصلحت رابطه	
- لباس بودن به معنای پوشاندگی، حمایت و مهار افراط در تمایلات است (طباطبایی،				

واحد معنایی زیرمقوله مقوله درون مایه کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل

خردورزانه همسران

۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷ - ۱۹۰).

فراهم سازی بستر کنترل
هیجانی و رفتاری برای
حفظ اعتماد و ثبات رابطه

«...وَاللَّائِي تَحَافُونَ نَشُوزُهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي خَوِشْتِن دَارِي
الْمَصْلَاحِمْ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ اخْلَاقِي در رابطه
سَيِّئًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴).

- قاننات ناظر به التزام درونی و خویشتن داری
آگاهانه در چارچوب نظم اخلاقی خانواده و
«حافظات للغيب» بیانگر مهار تمایلات و
صیانت از حرمت رابطه در غیاب همسر است
که ریشه در تقوا و کنترل درونی دارد
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۵).

پیشگیری از تشدید تعارض
و حفظ ثبات رابطه

«وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَغْلِهَا نَشُوزًا أَوْ إِغْرَاضًا مَهَارَ خَشْمٍ در
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا تعارض
وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ
تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»
(نساء: ۱۲۸).

- صلح و گذشت در اختلاف بهتر و نشانه
ترجیح مصلحت رابطه بر هیجان آنی است
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۱).
«وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۱).
- توجه به نفس، مسیر شناخت حقیقت انسان
است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۷۴).

افزایش خودنظارتی در
رفتارهای زناشویی

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ خودنظارتی
أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: ۱۹).
اخلاقی
- غفلت از خدا مساوی غفلت از خویشتن است
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۱۹ - ۲۲۰).

جلوگیری از رفتارهای
ناهیسار و آسیب زننده

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا درک معنای
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي رَابطة
ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (روم: ۲۱).

تعمیق نگاه شناختی به
رابطه همسری



۱۷۷

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
- پیوند عاطفی نشانه‌ای برای اهل تفکر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). «هَنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره: ۱۸۷). درک نیازهای - همسران لباس یکدیگرند؛ این بیانگر درک متقابل عمیق نیازهای متقابل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷ - ۱۹۰). «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴). شناخت تفاوت‌ها - تفاوت نقش‌ها در چارچوب مسئولیت و عدالت معنا می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۳ - ۳۴۴). «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» رابطه وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸). - صلح مبتنی بر شناخت واقعیت‌های رابطه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۱). «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (حجرات: ۱۳). تفاوت‌ها - تفاوت برای شناخت است نه برتری‌جویی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۲۷). «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» تأمین مسئولانه امنیت اقتصادی (بقره: ۲۳۳). - تأمین هزینه‌ها باید به‌صورت متعارف و عادلانه باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۱). «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» مدیریت اقتصادی بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا...» (نساء: ۳۴). خانواده				خردورزانه همسران تقویت همدلی و شناخت عاطفی متقابل کاهش تعارض ناشی از انتظارات نابه‌جا پذیرش محدودیت‌ها و تقویت مدارا پیشگیری از تحقیر و مقایسه آسیب‌زا کاهش فشارهای تنش‌زای مالی ایجاد ثبات ساختاری در خانواده

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
– مسئولیت اقتصادی مرد در چارچوب عدالت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۳ – ۳۴۴). «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ إِحْتِرَامٍ بِهِ حَقُّكُمْ شَيْءٌ مِنْهُنَّ فَكُلُوا مِنْهُنَّ مَرِيئًا» (نساء: ۴). – مهریه عطیه و حق مالی زن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹). «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَاغْلِظْ» (طلاق: ۷). – اتفاق متناسب با وسع و تنگ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۸ – ۳۱۹). «وَأَتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَرًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (استقلال و امنیت نساء: ۲۰). – نهی از تضییع اموال زنان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۷). «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ» (بقره: ۲۳۳). – تصمیم درباره فرزند با تراضی و تشاور فرزند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۱). «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا» (نساء: ۳۵). – حکمیت برای اصلاح در بحران خانوادگی سازوکار حل بحران (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶). «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلَ عَلَيْنَهُنَّ آيَاتُهُنَّ فَاسْكِنُوهُنَّ أَيْنَمَا تَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ عَلَيْكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فُسْرَتُمْ لَهُ الْآخِرَى» (طلاق: ۶). – تنظیم مسئولانه روابط پس از تعارض				
				تقویت احساس عدالت و کرامت
				جلوگیری از فشار و احساس ناتوانی
				پیشگیری از تعارض‌های ناشی از بی‌عدالتی مالی



۱۷۹

واحد معنایی زیرمقوله مقوله درون‌مایه کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل

خردورزانه همسران

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: هدایت الهی (توکل) واکنش‌های هیجانی در

بحران‌های زناشویی ۲ - ۳.

- توکل اعتماد آگاهانه پس از به‌کارگیری

عقل و تقواست و موجب آرامش در

تصمیم‌های دشوار خانوادگی می‌شود

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۳ - ۳۱۴).

«وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» الهی در تنظیم

انصاف و پرهیز از ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

سخت‌گیری تنش‌زا الرَّابِطَةِ الْآخِرِ ذَلِكَمَنْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ

لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۳۲).

- المیزان تعبیر «ذَلِكَمَنْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ» را

نشانه پاکی نیت و اعتماد به مسیر الهی در

تنظیم روابط خانوادگی می‌داند (طباطبایی،

۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۷ - ۲۳۹).

«فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹).

افزایش ظرفیت تحمل و - این آیه دعوت به صبر عاقلانه و امید به خیر

جلوگیری از فروپاشی رابطه پنهان در دشواری‌ها می‌کند (طباطبایی،

در تنش‌ها ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۷).

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۶).

تقویت پایداری روانی امید فعال پر

زوجین در بحران‌ها - آیه بر پیوند سختی و گشایش و تقویت امید سختی

فعال در مؤمن دلالت دارد (طباطبایی،

۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۱۶).

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۲ و ۴).

تعدیل اثر فشارهای در بحران

اقتصادی و عاطفی در این آیات ناظر بر مدیریت اخلاقی بحران‌های

رابطه

پیشرو

۱۸۰

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

واحد معنایی زیرمقوله مقوله درون مایه کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل

خردورزانه همسران

خانوادگی و وعده گشایش الهی است

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۳ - ۳۱۵).

توقف چرخه تنش و

تسهیل ترمیم رابطه

«وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاصًا فَلَا تَرْجِعْ صِلَحَ بَرِّ بَخْشِشِ

جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ تَقَابُلِ

وَأُخْصِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ

اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸).

- صلح و گذشت، رفتاری عقلانی برای حفظ

بنیان خانواده می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق،

ج ۵، ص ۱۰۱).

کاهش اثر خطا و بازسازی

پیوند عاطفی

«وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ

فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ

يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا

أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره: ۲۳۷).

- عفو نشانه تقوای عملی و گذشته آگاهانه

است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

جلوگیری از تشدید تعارض

و تقویت پیوند اخلاقی

«وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» حلم و عفو در

تعارض (شوری: ۴۳).

- حلم و عفو در تعارض ها امری قابل ستایش

است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۶۵).

تعدیل انتظارات و تقویت

سازگاری هیجانی

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷). پذیرش متقابل رضایت درونی

- لباس بودن نشانه صمیمیت، پذیرش و

آرامش متقابل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲،

ص ۴۴ - ۴۶).

کاهش نارضایتی مزمن و

تنش ناشی از مقایسه

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْ مَقَابِسِهِ

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبْنَ

كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ



واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
یکدل شئی عَلِیمًا (نساء: ۳۲).				خردورزانه همسران
– پرهیز از مقایسه‌های حسرت‌آلود و رضایت از نقش‌ها از عوامل مهم در رضایت درونی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۶ – ۳۳۸).				
«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ قَتَاعًا وَزَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ...» (طه: ۱۳۱).				افزایش ثبات هیجانی در زندگی مشترک
– قناعت موجب آرامش قلبی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸).				
«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ سَكِينَةٌ لِّلْقُلُوبِ» (عد: ۲۸).				تقویت آرامش روانی و کاهش تنش‌های درونی رابطه
– ذکر الهی منشأ سکینه و آرامش پایدار است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۵۴).				
«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور: ۳۵).				ارتقای سطح معنویت خانواده و جهت‌دهی الهی به روابط که مبنای شکل‌گیری عدالت در تعاملات می‌شود
– نور الهی منشأ هدایت باطنی و رشد معنوی انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۱ – ۱۲۲).				
«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (عد: ۲۸).				ایجاد آرامش درونی پایدار که زمینه روانی تحقق عدالت رابطه‌ای را فراهم می‌کند
– طمأنینه و آرامش عمیق قلبی، ناشی از ذکر ایمان و پیوند با خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۵۴).				
«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائدة: ۸).				تنظیم متعادل حقوق و تکالیف زوجین و جلوگیری از بی‌عدالتی عاطفی و
– عدالت رفتاری نشانه تقوای عملی است				

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۳۷).			رفتاری.	خردورزانه همسران
			مقدمه شکل گیری	
			هم گرایی عاطفی - اخلاقی	
			تقویت احساس امنیت و	
			اعتماد متقابل که بستر	
			همدلی عمیق تر را ایجاد	
			می کند	
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَخُذُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْهُ ذَلِكُمْ أَصْلَ الْإِسْلَامِ الَّذِي كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ» (نساء: ۱۳۵).				
- عدالت حتی در برابر منافع شخصی، امری لازم				
است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۸ - ۱۰۹).				
«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي دَلَسُوزَى - اخلاقی			تعمیق پیوند قلبی و	
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» (روم: ۲۱).			اخلاقی زوجین که زمینه	
- مؤدت منجر به محبت پایدار و رحمت منجر			تابآوری مشترک را فراهم	
به دلسوزی عملی می گردد (طباطبایی،			می کند	
۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).				
«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ همدلی و			شکل گیری روحیه حمایت	
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰).			متقابل در بحران ها و گذار	
- اخوت ایمانی، مبتنی بر همدلی و اصلاح رابطه			به تابآوری مشترک	
است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۵ - ۳۱۶).				
«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۲).			توان عبور مشترک از	
- گشایش الهی در شرایط دشوار (طباطبایی، الهی			بحران های ناشبویی و	
۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۴).			جلوگیری از فروپاشی رابطه	
«لَا يَكْفُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا تحمل متناسب			تقویت صبر، مدارا و	
مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره: ۲۸۶).			واقع بینی در مشکلات که	
- تکلیف هر انسانی متناسب با توانش است			به تثبیت رابطه کمک	
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۴ - ۲۴۵).			می کند	
«وَأَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱).			تثبیت رابطه بر پایه تعهد	
	پیوند تعهدآور	پایداری پیوند		

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه	کارکرد مؤلفه در الگوی تعامل
– میثاق غلیظ، پیوندی استوار و اخلاقی است	زناشویی	اخلاقی و الهی	خردورزانه همسران	
(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۸۵).				
«هِنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷).	پیوند حمایتی و	شکل گیری اتحاد عمیق روانی		
لباس بودن نشانه پیوند نزدیکه حمایتی و پوشاننده صمیمی		– عاطفی که غایت الگوی		
عیب‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴).		تعامل خردورزانه است		

برای سنجش اعتبار مؤلفه‌های استخراج‌شده، از روش ارزیابی کیفی و کمی مبتنی بر نظر ۹ نفر از خبرگان حوزه‌های روان‌شناسی خانواده و مطالعات قرآنی استفاده شد. در این راستا، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته تحت عنوان «بررسی میزان انطباق مؤلفه‌های استخراج‌شده با مستندات قرآنی – تفسیری و ضرورت گنجاندن آنها در الگوی پیشنهادی» طراحی گردید. این ابزار با هدف سنجش دو شاخص روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) توسعه یافت و در اختیار خبرگان قرار گرفت. در بخش مقدماتی پرسش‌نامه، فرآیند استخراج مؤلفه‌های تعامل خردورزانه همسران از قرآن کریم با اتکا به تفسیر المیزان به صورت جامع و نظام‌مند توضیح داده شد. خبرگان می‌بایست دو بُعد را مورد ارزیابی قرار می‌دادند: ۱. میزان انطباق مؤلفه‌ها با مستندات قرآنی – تفسیری (بر اساس شاخص CVI با مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت)؛ ۲. ضرورت حضور مؤلفه‌ها در الگوی پیشنهادی (بر اساس شاخص CVR با محاسبه فرمول لاوشه^۱ (۱۹۷۵) و مقیاس سه‌درجه‌ای لیکرت).

با توجه به استاندارد لاوشه برای ۹ ارزیاب، حداقل مقدار قابل قبول CVR برابر ۰/۷۸ و حداقل CVI برابر ۰/۷۹ در نظر گرفته شد. نتایج ارزیابی در جدول (۲) به صورت یکپارچه ارائه شده و نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها از نظر اعتبار محتوایی و اهمیت ساختاری مورد تأیید قرار گرفته‌اند و اجماع خبرگان بر لزوم حضور آنها در الگوی پیشنهادی به دست آمده است.

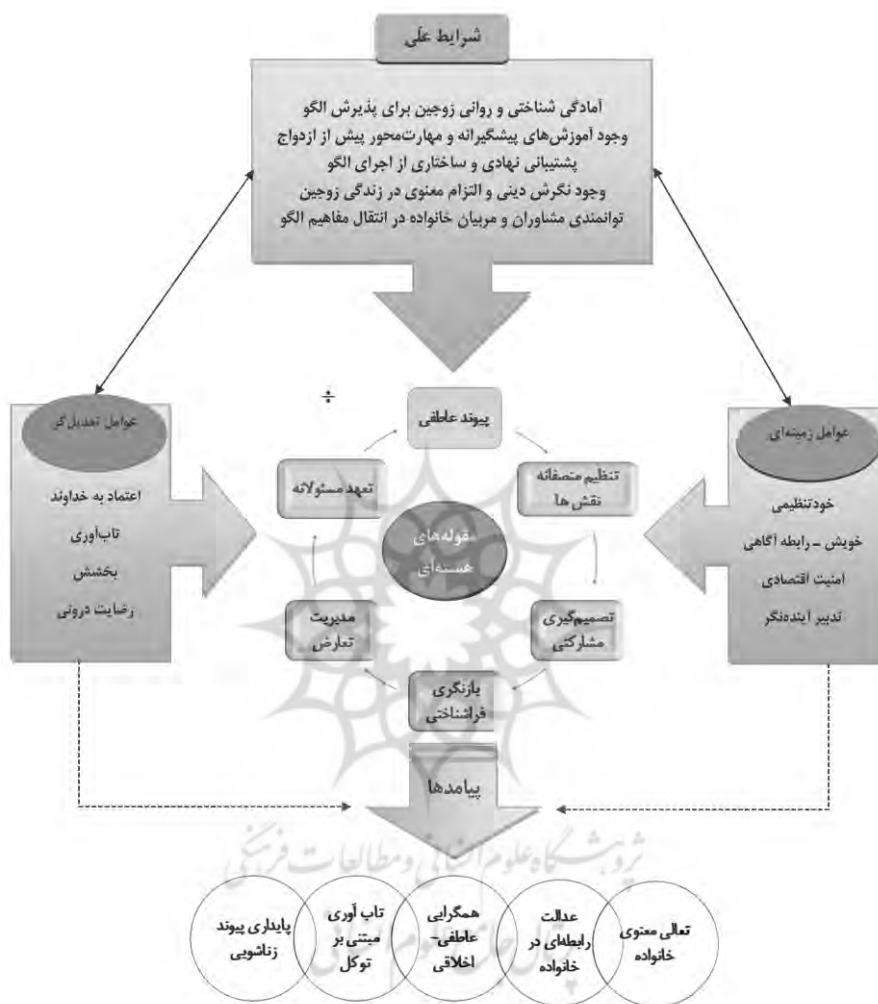
جدول ۲: ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌های استخراج شده در الگوی تعامل خردورزانه همسران (CVR و CVI)

مقولات	زیر مقولات	میزان مطابقت هر زیر مقوله با مستندات		CVI	میزان ضرورت هر زیر مقوله با مستندات		CVR
		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	
پیوند عاطفی	محبت مسئولانه	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	هم‌سرشی انسانی	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	مکمل بودن وجودی	۹	۰	۱	۹	۰	۱
تعادل نقش‌ها و انصاف در رابطه	تقابل حقوق و تکالیف	۸	۱	۰/۸۹	۹	۰	۱
	پرهیز از ظلم و بی‌عدالتی در وظایف و حقوق	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	پرهیز از افراط عاطفی	۷	۲	۰/۷۷	۹	۰	۱
تصمیم‌گیری مشارکتی	رعایت حقوق و مسئولیت‌های متقابل	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	مشورت و تراضی	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	تصمیم عقلانی در بحران	۹	۰	۱	۹	۰	۱
بازنگری فراشناختی	رعایت عدالت و خرد	۸	۱	۰/۸۹	۹	۰	۱
	حکمت و داوری	۷	۲	۰/۷۷	۹	۰	۱
	بازنگری رفتاری	۹	۰	۱	۹	۰	۱
مدیریت تعارض	اصلاح رفتار	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	حکمت و ارزیابی	۸	۱	۰/۸۹	۹	۰	۱
	مشورت و ارزیابی	۹	۰	۱	۹	۰	۱
تعهد مسئولانه	حکمت و داوری	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	کنترل واکنش هیجانی	۹	۰	۱	۹	۰	۱
	رفتار اصلاح‌گرانه	۷	۲	۰/۷۷	۹	۰	۱
	رعایت حقوق	۸	۱	۰/۸۹	۹	۰	۱
	میثاق غلیظ	۹	۰	۱	۹	۰	۱

مقولات	زیر مقولات	میزان مطابقت هر زیر مقوله با مستندات	CVI	میزان ضرورت هر زیر مقوله با مستندات	CVR
		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف
خودتنظیمی	مسئولیت متقابل	۹	۰	۱	۱
	رعایت حقوق دیگران	۹	۰	۱	۱
	حفاظت خانواده	۹	۰	۱	۱
	آرامش هیجانی	۸	۱	۰/۸۹	۱
	مهارت‌های	۷	۲	۰/۷۷	۱
	خواب‌ناهنجاری	۹	۰	۱	۱
	اخلاقی در رابطه				
	مهارت خشم در	۸	۱	۰/۸۹	۱
	تعارض				
	خودشناسی	۹	۰	۱	۱
امنیت اقتصادی	خودنظارتی	۹	۰	۱	۱
	اخلاقی				
	درک معنای رابطه	۸	۱	۰/۸۹	۱
	درک نیازهای	۹	۰	۱	۱
	متقابل				
	شناخت تفاوت‌ها	۹	۰	۱	۱
	واقع‌بینی در رابطه	۹	۰	۱	۱
	احترام به تفاوت‌ها	۹	۰	۱	۱
	تأمین مسئولانه	۹	۰	۱	۱
	مدیریت اقتصادی خانواده	۹	۰	۱	۱
تدبیر آینده‌نگر	احترام به حقوق مالی زن	۸	۱	۰/۸۹	۱
	واقع‌بینی اقتصادی	۹	۰	۱	۱
	استقلال و امنیت مالی زن	۷	۲	۰/۷۷	۱
	مشورت در امور	۹	۰	۱	۱
	فرزند				

مقولات	زیر مقولات	میزان مطابقت هر زیر مقوله با مستندات	CVI	میزان ضرورت هر زیر مقوله با مستندات	CVR
		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف
اعتماد الهی	پیش‌بینی سازوکار حل بحران	۹	۰	۱	۹
	مدیریت پیامدهای آینده	۹	۰	۱	۹
	اتکای آگاهانه به هدایت الهی	۹	۰	۱	۹
	اعتماد به حکمت الهی در تنظیم رابطه	۹	۰	۱	۹
تاب‌آوری	صبر همراه با امید	۹	۰	۱	۹
	امید فعال در سختی	۸	۱	۰/۸۸	۹
بخشش	پایداری اخلاقی در بحران	۹	۰	۱	۹
	ترجیح صلح بر تقابل	۹	۰	۱	۹
	گذشت آگاهانه	۹	۰	۱	۹
	حلم و عفو در تعارض	۷	۲	۰/۷۷	۹
رضایت درونی	پذیرش متقابل	۹	۰	۱	۹
	پرهیز از مقایسه مخرب	۹	۰	۱	۹
	قناعت و پذیرش	۹	۰	۱	۹
	سکینه قلبی	۸	۱	۰/۸۹	۹

با تکمیل فرایند تحلیل نظام‌مند داده‌های کیفی و احراز اعتبار مؤلفه‌های استخراج‌شده از طریق ارزیابی خبرگان، اکنون امکان صورت‌بندی یک الگوی مفهومی منسجم برای تبیین تعامل خردورزانه همسران فراهم شده است. الگوی حاضر بر اساس تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم و با تکیه بر تفسیر المیزان طراحی شده و حاصل یکپارچه‌سازی یافته‌ها در سطوح مختلف پژوهش است. نمودار (۱) ساختار کلی این الگوی مفهومی را نمایش می‌دهد.



نمودار ۱: الگوی مفهومی تعامل خردورزانه همسران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم با محوریت تفسیر المیزان

نمودار (۱) ساختار الگوی تعامل خردورزانه همسران را در قالب یک نظام مفهومی چندسطحی نشان می‌دهد. در این الگو، شرایط علی به‌عنوان عوامل پیش‌ران، زمینه شکل‌گیری تعامل خردورزانه را فراهم می‌کنند. این شرایط از طریق تقویت بسترهای فردی و اجتماعی، به فعال شدن عوامل زمینه‌ای می‌انجامند؛ عواملی که نقش تسهیل‌گر داشته و امکان بروز و پایداری مؤلفه‌های

هسته‌ای تعامل را فراهم می‌سازند. در مرکز الگو، مؤلفه‌های هسته‌ای تعامل خردورزانه قرار دارند که کیفیت واقعی کنش متقابل همسران را شکل می‌دهند. در این میان، عوامل تعدیل‌گر جایگاهی تنظیم‌کننده و پویا دارند؛ بدین معنا که این عوامل از یک‌سو بر نحوه فعال‌سازی و کارآمدی مؤلفه‌های هسته‌ای اثر می‌گذارند و از سوی دیگر، بر کیفیت و ثبات عوامل زمینه‌ای نیز تأثیر گذارند. به‌ویژه در شرایط تنش و بحران، این متغیرها با تعدیل فشارهای روانی و معنابخشی به موقعیت‌های دشوار، از تضعیف بسترهای زمینه‌ای و فرسایش کنش‌های هسته‌ای جلوگیری می‌کنند و امکان بازسازی تعامل را فراهم می‌سازند.

برآیند پویای این سطوح در نهایت به مجموعه‌ای از پیامدهای به‌هم‌پیوسته منتهی می‌شود که از تعالی معنوی خانواده آغاز شده، به عدالت رابطه‌ای و هم‌گرایی عاطفی - اخلاقی می‌رسد، تاب‌آوری مبتنی بر توکل را تقویت می‌کند و در نهایت به پایداری و تحکیم پیوند زناشویی ختم می‌شود. این پیامدها خود به‌صورت چرخه‌ای تقویت‌کننده، زمینه تداوم تعامل خردورزانه را در طول زمان فراهم می‌سازند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، الگویی پارادایمی از تعامل خردورزانه همسران ارائه می‌دهد که در آن، شش مؤلفه هسته‌ای در کنار عوامل زمینه‌ای و عوامل تعدیل‌گر، زمینه‌ساز تحقق پیامدهای مطلوب هستند. در این بخش، تحلیل و بررسی به مؤلفه‌های هسته‌ای، عوامل زمینه‌ای و تعدیل‌گر محدود شده و با ادبیات روان‌شناختی داخلی و خارجی مقایسه شده است؛ به‌گونه‌ای که تمایزها و ظرفیت‌های منحصر به فرد نگاه قرآنی برجسته شود. شایان ذکر است که شرایط علی و پیامدها در جدول یافته‌ها ارائه شده و به‌عنوان بستر و نتایج الگو در نظر گرفته شده‌اند؛ بنابراین در تحلیل تطبیقی این بخش، مورد ارزیابی مستقیم قرار نگرفته‌اند.

الف) مؤلفه‌های هسته‌ای تعامل خردورزانه همسران

تحلیل داده‌های قرآنی، شش مؤلفه به‌هم‌پیوسته را به‌عنوان سازوکارهای تحقق تعامل خردورزانه آشکار ساخت: پیوند عاطفی عقلانی، تعادل نقش‌ها و انصاف رابطه‌ای، تصمیم‌گیری مشارکتی عقلانی - اخلاقی، بازنگری فراشناختی، مدیریت تعارض تحول‌آفرین، تعهد مسئولانه به‌مثابه میثاق وجودی. در ادامه، هر مؤلفه به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.



۱. پیوند عاطفی عقلانی

یافته این پژوهش در خصوص مؤلفه هسته‌ای «پیوند عاطفی» نشان می‌دهد که قرآن کریم با ترکیب ویژه‌ای از مفاهیم «مؤدت» و «رحمت» در چارچوب «سکونت» و «زوجیت»، الگویی عقلانی - عاطفی را پیشنهاد می‌دهد. این الگو، در نگاه اول با تأکید روان‌شناسی مثبت‌نگر بر عشق، صمیمیت و دلبستگی (نظریه استرنبرگ،^۱ ۱۹۸۶؛ مدل دلبستگی بالبی،^۲ ۱۹۶۹) و همچنین با مفهوم «عشق ایثارگرانه» در نظریه‌های عشق (لی،^۳ ۱۹۷۷) و «همدلی» به‌عنوان سنگ بنای ارتباط (گاتمن، ۱۹۹۹) اشتراکات موضوعی دارد. با این حال، یک تمایز بنیادین در فلسفه و غایت این پیوند وجود دارد. در الگوی قرآنی، مؤدت و رحمت صرفاً واکنش‌های روان‌شناختی یا قراردادهای اجتماعی نیستند، بلکه تجلیات یک رابطه وجودی و الهی هستند که ریشه در «آفرینش زوجی» (اعراف: ۱۸۹) و هدفمند بودن این پیوند برای تحقق «سکونت» دارد. این نگاه، پیوند عاطفی را از حیطه احساسات ناپایدار به سطح یک تکلیف عقلانی و اخلاقی ارتقا می‌دهد که «تفکر» (روم: ۲۱) مبنای تداوم آن است. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های داخلی در حوزه خانواده اسلامی همسو و در عین حال عمق‌بخش است. برای مثال، هدایت‌شده و تبیین (۱۴۰۳) در مدل مفهومی «مؤدت و رحمت» به این نتیجه رسیدند که این دو کلیدواژه قرآنی، سازه‌هایی فراتر از صمیمیت و محبت صرف هستند و حاوی ابعاد فعالانه، ایثارگرانه و مبتنی بر تکلیف می‌باشند که با تقوا و ایمان تغذیه می‌شوند. به‌طور مشابه، پسندیده (۱۳۹۱) در تبیین رضایت زناشویی از دیدگاه اسلام، بر «معناداری رابطه» و «تأمین آرامش وجودی» به‌عنوان شاخصه‌های متمایز تأکید کرده است که مستقیماً با مفهوم قرآنی «سکونت» مرتبط است. ثناگویی (۱۴۰۲) نیز در خانواده در مانگری معنوی، نقش محوری «معنویت» را در تبدیل تعارض به فرصت رشد و تحکیم پیوند عاطفی نشان داده است. دیدگاه علامه طباطبایی که در این پژوهش استناد شد، با تفکیک دقیق «مؤدت» به‌عنوان محبت فعال و «رحمت» به‌عنوان عشق همراه با مراقبت، چارچوب نظری محکمی برای عملیاتی‌سازی این مفاهیم در قالب مهارت‌های عینی مانند همدلی فعال، پیش‌دستی در احسان و مراقبت در سختی‌ها فراهم می‌آورد.

1. Sternberg, R. J.

2. Bowlby, J.

3. Lee, J. A.

بنابراین آنچه الگوی حاضر به ادبیات روان‌شناسی خانواده می‌افزاید، تبیین «چرایی» و «چگونگی» عقلانی شدن عاطفه در رابطه زناشویی است. درحالی‌که روان‌شناسی غربی با ابزارهایی مانند «گفت‌وگوی مبتنی بر احساسات» یا «تعبیر مجدد شناختی» سعی در مدیریت عاطفه دارد، اما الگوی قرآنی با نهادینه کردن «مؤدت مسئولانه» و «رحمت تکلیف‌محور» در چهارچوب یک رابطه وجودی و الهی، عاطفه را از بنیان، عقلانی و پایدار می‌سازد. این امر نشان می‌دهد که پیوند عاطفی مطلوب در اسلام، نه یک حالتی انفعالی، بلکه یک فرآیند فعال عقلانی - اخلاقی است که با تفکر و ایمان هدایت می‌شود.

۲. تعادل نقش‌ها و انصاف رابطه‌ای

یافته این پژوهش مؤید آن است که قرآن کریم با محوریت مفهوم «معروف»، «عدالت» و «قوامیت»، الگویی از تعادل نقش‌ها را ارائه می‌دهد که در آن انصاف، برابری در کرامت انسانی و توجه به تفاوت‌های طبیعی و مسئولیت‌پذیری مکمل، جایگزین نگاه رقابتی یا سلطه‌جویانه جنسیتی می‌شود. این نگرش با نظریه مبادله اجتماعی^۱ و تأکید آن بر برابری و عدالت در روابط (والستر^۲ و همکاران، ۱۹۷۸) و نیز با مفهوم انصاف رابطه‌ای^۳ در روان‌شناسی مثبت‌نگر که بر عدالت در توزیع هیجانات و حمایت‌ها تأکید دارد، همسو است. نظریه تعادل هیجانی گاتمن (۲۰۱۴) نیز که ۱۹۱ نسبت تعامل مثبت به منفی را عامل پایداری می‌داند، در عمل، تجلی روان‌شناختی همان اصل قرآنی «معاشرت به معروف» است. باین‌حال، یک تمایز ساختاری قابل توجه وجود دارد. در الگوی قرآنی، مبنای این تعادل و انصاف، صرفاً یک قرارداد اجتماعی یا تعادل عاطفی لحظه‌ای نیست، بلکه ریشه در یک تکلیف الهی - اخلاقی (معروف) دارد که عقل عملی را به خدمت می‌گیرد تا در پرتو آن، حقوق و وظایف مبتنی بر واقعیت‌های آفرینشی (مذکور در مفهوم قوامیت) به شکل منصفانه‌ای سامان یابد. این چارچوب، با پژوهش‌های بومی در حوزه خانواده اسلامی به‌خوبی همخوانی و تعامل دارد. به‌ویژه، مدل مفهومی مؤدت و رحمت (هدایت‌شده و تبیک، ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که عدالت رابطه‌ای (انصاف) بستر لازم برای شکوفایی مؤدت و رحمت است و این سه، مثلث تحکیم‌کننده روابط را تشکیل می‌دهند. همچنین زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۲) در

1. Social Exchange Theory.

2. Walster, E.

3. Relational Justice.

تبیین ساختار قدرت در خانواده اسلامی، «قومیت» را نه ساختاری سلسله‌مراتبی و سلطه‌گر، بلکه یک «مدیریت مسئولیت‌محور» مبتنی بر شایستگی و تکلیف تفسیر می‌کند که هدف نهایی آن تأمین «سکونت» و امنیت برای همه اعضاست. این دیدگاه، تفسیر علامه طباطبایی از «معروف» به‌عنوان نقطه هم‌گرایی عقل و شرع را به یک الگوی رفتاری قابل اجرا تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، تحقیقات خدایاری‌فرد و همکارانش (۱۳۸۶) در زمینه رضایت زناشویی با نگرش مذهبی نشان می‌دهد که درک مشترک از «تکلیف‌محوری» و «عدالت مبتنی بر معروف»، به‌طور معناداری از تعارضات نقش‌ها می‌کاهد. جان‌بزرگی و همکارانش (۱۴۰۳) نیز در رویکرد خانواده‌درمانگری معنوی، بر بازتعریف نقش‌ها بر مبنای «مسئولیت‌پذیری در برابر خدا» به جای «حق‌محوری فردی» تأکید دارد که مستقیماً با فلسفه قرآنی تعادل نقش‌ها مرتبط است.

بنابراین این مؤلفه در مقایسه با روان‌شناسی غربی که عمدتاً بر برابری صوری^۱ و توازن عاطفی متمرکز است، الگوی قرآنی بر انصاف وجودی و عدالت تکلیف‌محور تأکید دارد که ریشه در شناخت عقلانی از تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی دارد. این مؤلفه، مکمل ضروری مؤلفه پیشین (پیوند عاطفی عقلانی) است. به بیان دیگر، «مؤدت و رحمت» جوهره عاطفی - معنوی رابطه را تشکیل می‌دهد و «تعادل نقش‌ها بر پایه معروف و عدالت»، ساختار عقلانی - اجرایی لازم برای تجلی و تداوم آن جوهره را فراهم می‌آورد. یک رابطه‌ای که تنها بر عاطفه (ولو عقلانی) استوار باشد، ممکن است فاقد قوام عملی باشد و رابطه‌ای که تنها بر عدالت خشک حقوقی تکیه کند، فاقد گرمی و سکونت خواهد بود. الگوی قرآنی با ترکیب این دو در یک کل منسجم، از عاطفه، پشتوانه‌ای عقلانی - اخلاقی و به عدالت، روحیه عاطفی - مراقبتی می‌بخشد.

۳. تصمیم‌گیری مشارکتی عقلانی - اخلاقی

تحلیل داده‌های قرآنی نشان می‌دهد که مشورت و تراضی (توافق متقابل) در خانواده، صرفاً یک تکنیک ارتباطی نیست، بلکه تجلی عینیت‌یافته عقلانیت جمعی و اخلاق رابطه‌ای در قرآن است. این نگاه، با مفاهیمی چون «تصمیم‌گیری مشترک»^۲ در روان‌شناسی خانواده (کلی و فلچر،^۳ ۲۰۱۷) و «دموکراسی مشارکتی» در نظریه‌های مدیریت تعارض که بر تقسیم قدرت و احترام به دیدگاه طرفین

1. Equality.

2. Shared Decision-Making.

3. Kelly, E. L. & Fletcher, J.

تأکید دارند، هم‌راستا است. نظریه سیستم‌های خانوادگی (بون،^۱ ۱۹۷۸) نیز بر اهمیت تمایز یافتگی^۲ در عین حفظ ارتباط در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد که با الگوی قرآنی مشورت که در آن فردیت در خدمت جمع قرار می‌گیرد، قابل مقایسه است. با این حال، نقطه افتراق کلیدی در مبنای این مشارکت نهفته است. در الگوی قرآنی، مشارکت در تصمیم‌گیری بر پایه یک تکلیف اخلاقی (امر به مشورت) و در چارچوب معروف استوار است، نه صرفاً یک راهبرد سودمندگرایانه برای کاهش تعارض یا افزایش رضایت فردی، حتی در بحران‌هایی مانند طلاق، اصل «احسان» و «معروف» (بقره: ۲۲۹) به عنوان چارچوب عالی تصمیم‌گیری، فراتر از حداقل‌های حقوقی، فضایی اخلاقی و عقلانی می‌آفریند. این یافته، عمق و غنای قابل توجهی را در تعامل با پژوهش‌های داخلی پیدا می‌کند. مروجی طبسی (۱۳۸۸) به درستی مشورت را یک ضرورت الهی و راهبرد بنیادین برای آرامش معرفی کرده است. این دیدگاه توسط یافته‌های جان‌بزرگی و همکاران (۱۴۰۳) در خانواده درمانگری معنوی خداسو تقویت می‌شود؛ جایی که «حکمیت» (نساء: ۳۵) نه به عنوان یک داوری قضایی، بلکه به عنوان یک فرآیند میانجیگری معنوی بازتعریف می‌شود که هدفش بازیابی «معروف» و «احسان» در رابطه است. از سوی دیگر، تحقیقات زارعی توپخانه و همکارانش (۱۳۹۲) در مورد ساختار قدرت، مؤید این است که «قوامیت» (به عنوان مسئولیت نهایی مدیریت) در یک خانواده سالم اسلامی، نه تنها مانعی برای مشارکت نیست، بلکه متعهد به ایجاد بیشترین فرصت برای مشورت و تراضی در چارچوب معروف است. این نگاه، تفسیر علامه طباطبایی از مشورت به عنوان جلوه‌ای از خرد جمعی را در یک الگوی عملیاتی قدرت نرم و توزیع شده در خانواده قرار می‌دهد.

بنابراین آنچه این الگوی قرآنی را در این حوزه متمایز می‌سازد، تبدیل مشارکت به یک فضیلت اخلاقی و عبادت ارتباطی است. در حالی که روان‌شناسی غربی عمدتاً بر کارآمدی^۳ و رضایت^۴ ناشی از مشارکت تأکید دارد، الگوی حاضر بر تکلیف اخلاقی^۵، عدالت رویه‌ای^۶ و حفظ کرامت، حتی در زمان اختلاف (با محوریت احسان) پای می‌فشارد. این مؤلفه، حلقه اتصال حیاتی بین دو

1. Bowen, M.

2. Differentiation.

3. Efficiency.

4. Satisfaction.

5. Obligation.

6. Procedural Justice.

مؤلفه پیشین است. به بیان دیگر، «پیوند عاطفی عقلانی»، زمینه اعتماد و امنیت لازم برای ابراز نظر را فراهم می‌کند. «تعادل نقش‌ها و انصاف»، ساختار عادلانه‌ای ایجاد می‌کند که در آن صدای هر دو طرف به رسمیت شناخته شود. در نهایت، «تصمیم‌گیری مشارکتی عقلانی - اخلاقی»، مکانیسم عملیاتی است که از طریق آن، عاطفه هدایت‌شده و ساختار عادلانه، به عمل مشترک خردمندانه تبدیل می‌شود. این سه مؤلفه، یک چرخه تقویتی تشکیل می‌دهند: مشارکت عادلانه در تصمیم‌گیری، پیوند عاطفی را عمیق‌تر می‌کند و پیوند عاطفی عمیق‌تر، بستر بهتری برای تصمیم‌گیری مشارکتی و منصفانه فراهم می‌آورد.

۴. بازنگری فراشناختی: خرد درونی و اصلاح رابطه

یافته این پژوهش مؤید آن است که قرآن کریم با مفاهیم «تفکر»، «بصیرت»، «حلم» و ارجاع مکرر به «قلب» به‌عنوان مرکز ادراک و تصمیم‌گیری اخلاقی، بر ظرفیتی فراتر از حل مسئله عادی تأکید می‌ورزد؛ ظرفیتی که در روان‌شناسی شناختی معادل «فراشناخت»^۱ و «بینش»^۲ و در روان‌شناسی مثبت‌نگر نزدیک به «خرد»^۳ به معنای توانایی بازاندیشی در ارزش‌ها و اولویت‌هاست. این نگاه با رویکردهای درمانی مانند درمان شناختی - رفتاری (CBT) که بر شناسایی و تغییر افکار خودکار منفی تمرکز دارد و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) که بر فاصله‌گیری شناختی^۴ و ارزش‌محوری تأکید می‌کند، در هدف کلی مدیریت افکار و هیجانات همسو است (هایز و همکاران، ۲۰۱۱).^۵ با این حال، عمق و گستره بازنگری قرآنی بسیار فراتر می‌رود. در الگوی قرآنی، بازنگری تنها معطوف به خطاهای شناختی فرد در باره طرف مقابل نیست، بلکه فرآیندی همه‌جانبه و چندسطحی است که شامل بازنگری در نیت‌ها و انگیزه‌های درونی (مراجعه به «قلب»)، ارزیابی اعمال در چارچوب اخلاقی «احسان» و «معروف»، و سنجش پیامدهای عمل در راستای اهداف وجودی رابطه («سکونت» و «زوجیت») می‌شود. این فرآیند، بازنگری را از یک تکنیک درمانی به یک خویش‌داری اخلاقی و عقلانی مستمر تبدیل می‌کند. این مؤلفه، گم‌شده‌ای است که در بسیاری از نظریه‌های غربی پیرنگ نیست، اما در پژوهش‌های داخلی با رویکرد اسلامی به‌وضوح

1. Metacognition.

2. Insight.

3. Wisdom.

4. Cognitive Defusion.

5. Hayes, S. C. & et al.

مورد تأکید و بسط قرار گرفته است. به عنوان مثال، جان بزرگی و همکارانش در کتاب خانواده درمانگری معنوی خداسو (۱۴۰۳)، از مفهوم «مراقبه رابطه‌ای» سخن می‌گویند که در آن زوجین یاد می‌گیرند پیش از هر واکنش، به قصد، نیت و ارزش الهی پشت عمل خود و طرف مقابل بیندیشند. این مفهوم، عینیت یافته همان «بازنگری فراشناختی قلب محور» قرآنی است. همچنین ثناگوی (۱۴۰۲) در بحث رضایت زناشویی، بر «بازتعریف معنوی مشکلات» به عنوان عاملی کلیدی در تحول رابطه تأکید دارد که مستلزم همان فراشناخت اخلاقی است. آقابابایی و تیبک^۱ (۲۰۱۳) نیز بازنگری فراشناختی (با بُعد اخلاقی - مذهبی) را در پژوهش‌های تجربی خویش با پایمدهای مثبت در روابط مرتبط دانسته‌اند. این یافته‌ها، تفسیر علامه طباطبایی از عقلانیت قرآنی به مثابه امری درهم تنیده با قلب و اخلاق را، به یک مهارت کاربردی برای زوجین تبدیل می‌کند.

بنابراین تمایز اصلی الگوی قرآنی در اینجا، معنادهی قدسی و رابطه‌ای به فراشناخت است. درحالی‌که روان‌شناسی غربی، بازنگری را عمدتاً در خدمت سازگاری فردی^۲ و کاهش رنج می‌بیند، اما در الگوی حاضر، بازنگری در خدمت تحول رابطه‌ای^۳ و تقرب اخلاقی قرار می‌گیرد. این مؤلفه، سازوکار درونی و محرک پویای سه مؤلفه پیشین است؛ به این معنا که پیوند عاطفی عقلانی بدون بازنگری فراشناختی مستمر، در خطر تبدیل شدن به یک عادت احساسی فاقد عمق است، و تعادل نقش‌ها بدون توانایی بازنگری در انتظارات و تفسیرهای شخصی از انصاف، می‌تواند به مجادله‌ای خشک بر سر حقوق تبدیل شود، و تصمیم‌گیری مشارکتی بدون ظرفیت فراشناختی برای شناخت سوگیری‌های خود و درک واقعی دیدگاه طرف مقابل، می‌تواند به یک مناقشه بر سر قدرت تقلیل یابد. ازاین‌رو «بازنگری فراشناختی» چراغ خرد درونی است که بر کل فرآیند تعامل می‌تابد و تضمین می‌کند که عاطفه، عدالت و مشارکت، همواره در مسیر درست و متعالی خود حرکت کنند. این مؤلفه نشان می‌دهد که خردورزی در رابطه زناشویی، تنها مهارتی بین فردی نیست، بلکه پیش از هر چیز، یک انضباط درونی و اخلاقی است.

۵. مدیریت تعارض به مثابه فرصت تحول عقلانی - اخلاقی

یافته این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با ارائه سازوکارهایی مانند «معاشرت به معروف»^۱،

1. Aghababaei, N. & Tibke, R. A.

2. Individual Adjustment.

3. Relational Transformation.

«حکمت» و تأکید بر «احسان» حتی در آستانه جدایی، رویکردی کاملاً متمایز به پدیده تعارض ارائه می‌دهد. در این نگاه، تعارض نه یک شکست ارتباطی، بلکه یک «موقعیت آموزشی - اخلاقی» و فرصتی برای تحقق عملی خردورزی در سخت‌ترین شرایط است. این دیدگاه با برخی از جدیدترین رویکردهای روان‌شناسی مانند «نظریه سیستم‌های انطباقی پیچیده»^۱ در درمان خانواده که تعارض را بخشی طبیعی و بالقوه سازنده از پویایی سیستم می‌داند، همسو است. همچنین با مدل‌های مدیریت سازنده تعارض (دویج،^۲ ۱۹۷۳) که بر حل مسئله یکپارچه^۳ تأکید دارند، قابل مقایسه است، اما تمایز ریشه‌ای در غایت و چارچوب اخلاقی مدیریت تعارض است. در الگوی قرآنی، هدف نهایی، صرفاً «حل تعارض» یا حتی «بازگشت به آرامش قبلی» نیست، بلکه هدف، «تحول رابطه در جهت معروف و احسان» و «خیر کثیر» است، حتی اگر نتیجه، جدایی باشد، این فرآیند باید به گونه‌ای مدیریت شود که کرامت انسانی و اخلاق («احسان») محفوظ بماند. این نگاه، تعارض را از حیطه روان‌شناسی محض به عرصه اخلاق کاربردی و تربیت نفس منتقل می‌کند.

این مؤلفه، به خوبی در تعامل با پژوهش‌های داخلی در حوزه حل تعارض خانوادگی قرار می‌گیرد. مدل حکمت در خانواده (بر گرفته از آیه ۳۵ نساء) که توسط محققانی مانند گودرزی و سجادی‌زاده (۱۳۹۹) و هدایت‌نیا (۱۳۹۳) مورد تحلیل قرار گرفته، نشان می‌دهد این سازوکار، یک داوری قضایی نیست، بلکه یک «فرآیند میانجیگری معنوی - اجتماعی» است که با فعال‌سازی خرد جمعی (حکمن) و تمرکز بر اصلاح («إصلاح»)، به زوجین کمک می‌کند از منظر سوم و در چارچوب ارزش‌های مشترک (معروف) به اختلاف خود بنگرند. این دقیقاً عملیاتی‌سازی «عقل جمعی» مورد تأکید علامه طباطبایی است. همچنین تحقیقات رضاپور میرصالح و همکارانش (۱۴۰۰) نشان می‌دهد زوج‌های مذهبی که تعارض را «آزمونی برای صبر و احسان» می‌دانند، از تاب‌آوری و رضایت پس از تعارض بالاتری برخوردارند. این دیدگاه‌ها، الگوی قرآنی را از یک توصیه اخلاقی به یک دستورالعمل عملی قابل آموزش تبدیل می‌کنند.

بنابراین آنچه الگوی قرآنی را در مدیریت تعارض منحصر به فرد می‌سازد، قدسی‌سازی فرآیند

1. Complex Adaptive Systems.

2. Deutsch, M.

3. Integrative Problem-Solving.

اختلاف و ارائه چارچوبی فراتر از مصالحه است. در حالی که روان‌شناسی غربی عمدتاً بر حل مسئله^۱ و سازش^۲ متمرکز است، اما الگوی حاضر بر اصلاح^۳، احسان^۴ و در نهایت تحول^۵ تأکید دارد. این مؤلفه، آزمون نهایی و عرصه ظهور تمام مؤلفه‌های پیشین است. پیوند عاطفی عقلانی، سرمایه عاطفی لازم برای عبور از طوفان تعارض را فراهم می‌کند. تعادل نقش‌ها و انصاف، چارچوب عادلانه‌ای ایجاد می‌کند که مانع از تبدیل تعارض به جنگ قدرت می‌شود. تصمیم‌گیری مشارکتی، مهارت و عادت لازم برای گفت‌وگو در شرایط بحران را تقویت می‌کند و بازنگری فراشناختی، توانایی درون‌نگری و تنظیم هیجانات را در اوج تنش فراهم می‌آورد.

در مواجهه با تعارض، چهار مؤلفه پیشین در بوته آزمایش قرار می‌گیرند و مؤلفه پنجم (مدیریت تعارض) به‌عنوان راهبردی یکپارچه‌کننده، نحوه به‌کارگیری هماهنگ آنها را برای عبور از بحران و حتی تقویت رابطه هدایت می‌کند؛ بنابراین تعارض در این الگو، عرصه ظهور و کارگاه عملی خردورزی است.

۶. تعهد مسئولانه به مثابه میثاق وجودی

یافته نهایی این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با وصف بی‌نظیر رابطه زناشویی به «میثاقاً غلیظاً»، تعهد را از سطح یک قرارداد اجتماعی مشروط به مرتبه یک پیمان وجودی، اخلاقی و الهی ارتقا می‌دهد. این نگاه، با نظریه‌های روان‌شناختی تعهد مانند مدل «سرمایه‌گذاری»^۶، راسبالت^۷ (۱۹۸۰) که بر رضایت، کیفیت جایگزین‌ها و میزان سرمایه‌گذاری‌ها تأکید دارد، و نیز با مفهوم «تعهد اخلاقی»^۸ در نظریه‌های اخیر (جانسون، ۱۹۹۹) هم‌پوشانی موضوعی دارد. با این حال، تمایز بنیادین در منشأ، کیفیت و غایت این تعهد نهفته است. در الگوی قرآنی تعهد، ریشه در یک تکلیف الهی و پیمان با خدا (نکاح به‌عنوان یک عبادت) دارد و محتوای آن نه تنها وفاداری، بلکه مسئولیت‌پذیری فعالانه در قبال رشد مادی، عاطفی و معنوی همسر و خانواده است. قوامیت در این چارچوب، نه یک امتیاز، بلکه بار سنگین مسئولیت و خدمتگزاری تفسیر می‌شود. این تعهد،

1. Problem-Solving.

2. Compromise.

3. Reform.

4. Beneficence.

5. Transformation.

6. Investment Model.

7. Rusbult, C. E.

8. Moral Commitment

فراتر از زمان و شرایط است و حتی در صورت انحلال رابطه (طلاق)، با اخلاق «احسان» و «معروف» تداوم می‌یابد. این مؤلفه، نقطه اوج و تجميع تمامی مؤلفه‌های پیشین در پژوهش‌های داخلی است. هدایت‌شده و تبیک (۱۴۰۳) در مدل مؤدت و رحمت نشان می‌دهند که این دو فضیلت، تنها در سایه یک «تعهد استوار اخلاقی» قابل تداوم هستند. خوش‌منش (۱۳۹۱) نیز با تحلیل «میثاق غلیظ»، آن را مبنای حقوقی - اخلاقی غیر قابل تخلفی می‌داند که مسئولیت‌پذیری متقابل را الزام‌آور می‌سازد و ساختار خانواده را از آسیب‌های فردگرایی افراطی مصون می‌دارد. از سوی دیگر، جان‌بزرگی و همکارانش (۱۴۰۳) در خانواده در‌مانگری معنوی، از «تعهد به رابطه به‌مثابه یک مسیر معنوی مشترک» سخن می‌گویند که در آن زوجین متعهد می‌شوند هم‌سفر یکدیگر در مسیر رشد اخلاقی و تقرب به خدا باشند. این نگاه، تفسیر علامه طباطبایی از عهد غلیظ را به یک چشم‌انداز معنوی برای زندگی مشترک تبدیل می‌کند. همچنین تحقیقات شهریارپور و همکارانش (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که درک زوجین از ازدواج به‌عنوان یک «پیمان الهی» و «مسئولیت در پیشگاه خدا»، قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده تاب‌آوری و رضایت بلندمدت است. بنابراین آنچه الگوی قرآنی را در این حوزه متمایز می‌سازد، قدسی‌سازی و ابدی‌سازی تعهد است. درحالی‌که روان‌شناسی غربی عمدتاً بر تعهد مشروط^۱ و مبتنی بر مبادله و رضایت جاری تأکید دارد، اما الگوی حاضر بر تعهد مطلق اخلاقی - وجودی^۲ مبتنی بر پیمان با خدا و مسئولیت در قبال دیگری به‌عنوان یک امانت الهی پای می‌فشارد. این مؤلفه، ستون فقرات و ثبات‌بخش کل الگو است. پیوند عاطفی عقلانی، تعادل نقش‌ها، تصمیم‌گیری مشارکتی، بازنگری فراشناختی و مدیریت تعارض، همگی مکانیسم‌ها و مهارت‌های عملیاتی برای تحقق و تداوم این تعهد مسئولانه هستند. به‌عبارت دیگر، «تعهد مسئولانه به‌مثابه میثاق وجودی»، هدف غایی و چارچوب حاکم بر تمام تعاملات است. این تعهد است که به عاطفه عمق می‌بخشد، به عدالت قداست می‌دهد، به مشارکت جهت می‌دهد، به بازنگری انگیزه اخلاقی می‌بخشد و به مدیریت تعارض، طعم تحول معنوی می‌آورد.

ب) عوامل زمینه‌ای تعامل خردورزانه همسران

بررسی الگوی پارادایمی استخراج‌شده نشان می‌دهد که پدیده محوری «تعامل خردورزانه» در خلا

1. Committed Constraint.

2. Covenantal Commitment.

شکل نمی‌گیرد، بلکه در بستر و زمینه‌های مشخصی امکان تحقق و تداوم می‌یابد. این عوامل، بسترسازها یا شرایطی هستند که زمینه را برای عمل کردن مؤثر مؤلفه‌های شش‌گانه هسته‌ای فراهم می‌سازند. در واقع، عوامل زمینه‌ای مانند سکوی عملیاتی هستند که امکان تبدیل مفاهیم و مهارت‌های خردورزانه (مؤلفه‌های هسته‌ای) را به عمل متعادل و پایدار در زندگی واقعی فراهم می‌کنند. در این پژوهش، چهار عامل زمینه‌ای کلیدی شناسایی شدند که هریک از سطحی متفاوت، به پشتیبانی از فرآیند خردورزی در رابطه می‌پردازند. در ادامه، نقش هریک از این عوامل در تسهیل تعامل خردورزانه و تعامل آنها با ادبیات پژوهشی مرتبط، به اختصار تحلیل خواهد شد.

۱. خودتنظیمی اخلاقی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق تعامل خردورزانه در گرو وجود یک ثبات درونی جهت‌دار است. این ثبات توسط عامل زمینه‌ای نخست، یعنی «خودتنظیمی اخلاقی» تأمین می‌شود. در منظومه قرآنی، این خودتنظیمی به معنای توانایی هدایت اراده و هیجانات در مسیر ارزش‌های ثابتی چون «تقوا» و «عدل» است (با استناد به آیاتی مانند بقره: ۲۳۳). این فرآیند، سکینه (آرامش درونی) را به عنوان پیش شرط ضروری برای تحقق سکونت (آرامش رابطه‌ای) ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، این عامل، سوخت باکیفیت و پایدار اخلاقی را برای به کارگیری تمام مؤلفه‌های هسته‌ای فراهم می‌آورد. بدون این ظرفیت درونی، حتی آگاهانه‌ترین الگوهای رفتاری در مواجهه با هیجانات شدید یا وسوسه‌های خودمحورانه کارایی خود را از دست می‌دهند.

این نگاه ضمن بهره‌گیری از مفهوم «خودتنظیمی»^۱ در روان‌شناسی (باندورا،^۲ ۱۹۹۱) آن را در چارچوب یک نظام اخلاقی دینی غنی می‌سازد. درحالی‌که رویکردهای روان‌شناختی غالباً بر تنظیم رفتار برای حداکثرسازی سود فردی یا کاهش تنش متمرکزند، اما خودتنظیمی قرآنی معطوف به وفاداری به یک «میثاق غلیظ» اخلاقی است. این تفسیر با یافته‌های پژوهش‌های داخلی مانند کار کافی و مسعودی (۱۳۹۲) در مورد نقش «خویش‌داری مبتنی بر ایمان» و خسروی و همکاران (۱۴۰۳) در باب «تنظیم هیجان معنوی» همخوانی کامل دارد. نتیجه کلیدی این است که خودتنظیمی اخلاقی، بستر انگیزشی و ارادی لازم را برای عملی شدن خردورزی فراهم می‌کند. این ثبات درونی، شرط اولیه برای گام نهادن به مرحله پیچیده‌تر زمینه‌سازی، یعنی کسب آگاهی دقیق از خود و دیگری است.

1. Self-Regulation.

2. Bandura, A.

۲. خویش - رابطه آگاهی توحیدی

ثبات درونی ناشی از خودتنظیمی اخلاقی، یک پیش‌نیاز انگیزشی قدرتمند است، اما هدایت این اراده ثابت شده به‌سوی تعاملی خردمندانه، مستلزم یک پیش‌نیاز شناختی دقیق است. اینجاست که عامل زمینه‌ای دوم، یعنی «خویش - رابطه آگاهی» نقش خود را ایفا می‌کند. این آگاهی یک شناخت دو وجهی عمیق است: ۱. خودآگاهی وجودی: که از درک رابطه انسان با خدا و غایت خلقت وی نشئت می‌گیرد و اساس تواضع، مرزشناسی و نقدپذیری سالم را می‌ریزد؛ ۲. رابطه آگاهی اخلاقی: که با تشبیه بی‌نظیر قرآن از همسران به «لباس» یکدیگر (بقره: ۱۸۷) ترسیم می‌شود و مستلزم فهم همه‌جانبه و همدلانه از نیازها، ظرفیت‌ها و جهان ذهنی طرف مقابل است. این نگاه، فراتر از مفهوم «هوش هیجانی» (گلمن،^۱ ۱۹۹۵)، یا «همدلی» در روان‌شناسی قرار می‌گیرد. هوش هیجانی عمدتاً بر مدیریت کارآمد روابط متمرکز است؛ درحالی‌که خویش - رابطه آگاهی قرآنی، بر شناخت فلسفی و اخلاقی از ماهیت ذاتی رابطه استوار است. این شناخت، با مدل مؤدت و رحمت هدایت‌شده و تیبک (۱۴۰۳) که درک متقابل را شرط تحقق آن فضایل می‌دانند، و نیز با تأکید حیدر نژاد (۱۳۹۷) بر «شناخت حقوق متقابل مبتنی بر کرامت ذاتی انسان» کاملاً همسو است. نقش این عامل در الگو، فراهم آوردن یک «نقشه شناختی» دقیق است. این نقشه است که به اراده تنظیم‌شده (خودتنظیمی) جهت می‌دهد و مشخص می‌کند که چگونه مؤلفه‌های هسته‌ای مانند تصمیم‌گیری مشارکتی یا تعادل نقش‌ها با انصاف باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های پیچیده خود و طرف مقابل به اجرا درآیند. بدون این آگاهی، خودتنظیمی ممکن است به پافشاری خشک بر موضع خود یا ایثار یک‌طرفه نابجا منجر شود.

خویش - رابطه آگاهی توحیدی، با ارائه شناختی عمیق از خود و همسر، نقشه انصاف را ترسیم می‌کند، اما تحقق عینی این نقشه در گرو وجود بستری است که توزیع منابع در آن، بر پایه همین انصاف صورت پذیرد. اینجاست که امنیت اقتصادی عادلانه به‌عنوان عرصه آزمون عملی آن آگاهی ظاهر می‌شود. مدیریت مالی خانواده، آزمایشگاهی است که در آن وفاداری به درک متقابل و توانایی خودتنظیمی در برابر وسوسه‌های مادی سنجیده می‌شود. بدون این بستر عادلانه، فشارهای معیشتی می‌تواند والاترین بینش‌های رابطه‌ای را تحت الشعاع قرار داده و فضای لازم برای تعامل خردمندانه را از بین ببرد.

پیش‌درآمد

۲۰۰

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۳. امنیت اقتصادی عادلانه (بستر عینی و عاطفی خردورزی)

پس از استقرار ثبات درونی (خودتنظیمی) و شکل‌گیری نقشه شناختی روشن (خویش - رابطه آگاهی)، تعامل خردورزانه نیازمند یک بستر عینی پایدار است تا بتواند به‌طور کامل شکوفا شود. این بستر توسط عامل زمینه‌ای سوم، یعنی «امنیت اقتصادی عادلانه» تأمین می‌گردد. در منطق قرآنی، امنیت اقتصادی صرفاً به معنای رفاه مادی نیست، بلکه به تحقق عدالت توزیعی و رویه‌ای در منابع مالی خانواده اطلاق می‌شود. آیاتی که بر قوامیت مسئولانه (نساء: ۳۴)، انفاق عادلانه (طلاق: ۷) و مهریه به‌عنوان عطیه (نساء: ۴) تأکید دارند، نشان می‌دهند این امنیت از طریق یک مدیریت مالی عقلانی و مبتنی بر انصاف حاصل می‌شود و فشار اقتصادی، ظرفیت شناختی و عاطفی زوجین را برای تعامل خردمندانه تحلیل می‌برد. این نگاه، با یافته‌های روان‌شناسی در باب رابطه تنش مالی و تعارض زناشویی (گاتمن، ۱۹۹۴؛ کانگر و همکاران، ۱۹۹۰)^۱ همسو است، اما تمایز قرآنی در تأکید بر عدالت و اخلاق به‌عنوان اساس مدیریت اقتصاد خانواده است. در حالی که پژوهش‌های غربی بر «مدیریت مشترک»^۲ به‌عنوان یک تکنیک کارآمد تمرکز دارند، قرآن پیش از آن بر تعهد اخلاقی به انصاف (قوامیت مسئولانه) و رعایت حقوق مالکیت (استقلال مالی زن) تأکید می‌ورزد. این دیدگاه با پژوهش‌های داخلی مانند کار استاجی (۱۳۹۲) در تحلیل اقتصادی خانواده ۲۰۱ اسلامی که «قوامیت» را متضمن مسئولیت تأمین همراه با رعایت کرامت همسر می‌داند، و نیز با مطالعات اخوان کاظمی (۱۳۸۷) که احساس امنیت اقتصادی را محصول رعایت «معروف» در امور مالی می‌داند، هماهنگی کامل دارد. نقش این عامل در الگو، ایجاد فضای عینی عاری از تنش‌های بقایی است. این فضا، انرژی روانی زوجین را برای تمرکز بر مؤلفه‌های پیچیده‌تر خردورزی (مانند تصمیم‌گیری مشارکتی یا بازنگری فراشناختی) آزاد می‌کند. بدون این بستر امن، بقیه عوامل و مؤلفه‌ها ممکن است درگیر حل مسائل اضطراری ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی شوند.

امنیت اقتصادی عادلانه، ثبات و آرامش در حال حاضر رابطه را تأمین می‌کند و انرژی روانی زوجین را برای اندیشیدن فراتر از نیازهای فوری آزاد می‌سازد. این آزادسازی منابع شناختی و عاطفی، شرط ضروری برای گام نهادن به قلمرو عامل زمینه‌ای چهارم، یعنی «تدبیر آینده‌نگر» است. هنگامی که دغدغه‌های معیشتی به‌واسطه مدیریت عادلانه و مسئولانه برطرف می‌شود، فضا

1. Conger, R. D. & et al.

2. Joint Management.

برای طرح پرسش‌های بنیادین فراهم می‌آید: این ثبات مالی در خدمت چه هدف والاتری باید قرار گیرد؟ چه میراث مادی و معنوی را می‌خواهیم برای خود و فرزندانمان رقم بزنیم؟ بنابراین امنیت اقتصادی صرفاً نقطه پایان نیست، بلکه سکو و سرمایه‌ای است که زوجین را قادر می‌سازد با همدلی و خردی که از عوامل پیشین حاصل شده، به طراحی مشترک چشم‌اندازی معنادار برای آینده بپردازند. در این مرحله، اقتصاد از مقوله بقا به ابزاری برای تحقق آرمان‌های مشترک ارتقا می‌یابد.

۴. تدبیر آینده‌نگر (چشم‌انداز و جهت‌دهنده مسیر)

پس از فراهم آمدن ثبات درونی، شناخت متقابل و بستر عینی امن، تعامل خردورزانه برای تداوم و اثرگذاری، نیازمند یک افق زمانی مشترک و جهت‌دار است. این نقش توسط آخرین عامل زمینه‌ای، یعنی «تدبیر آینده‌نگر» ایفا می‌شود. آینده‌نگری در منظومه قرآنی، فراتر از برنامه‌ریزی مادی صرف، به معنای تدبیر مشترک زندگی بر اساس اهداف متعالی و ارزش‌های ثابت (حکمت) است. آیاتی که بر «مشورت» و «تراضی» در تصمیمات مهم (مانند بقره: ۲۳۳) تأکید دارند، نشان می‌دهند که این چشم‌انداز باید محصول مشارکت آگاهانه و خرد جمعی باشد. بر اساس تفسیر المیزان، این فرآیند، خانواده را از نهاد واکنشی به یک مجموعه پیش رو و هدفمند تبدیل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶؛ ج ۱۹، ص ۳۱۷-۳۱۹).

این نگاه با مفاهیمی مانند «اهداف مشترک زوجین»^۱ و «برنامه‌ریزی مشارکتی» در روان‌شناسی خانواده (گاتمن، ۱۹۹۴؛ والر، ۲۰۱۹) همخوانی دارد. با این حال، تمایز اساسی در مبنای ارزشی این اهداف نهفته است. در رویکردهای روان‌شناختی، اهداف عمدتاً بر محور رضایت فردی یا موفقیت‌های دنیوی تعریف می‌شوند؛ درحالی‌که آینده‌نگری قرآنی، اهدافی را دربر می‌گیرد که در راستای «تقوا»، «عمران» (آبادانی همراه با عدالت) و «تربیت نسل صالح» قرار دارند. این تفسیر با دیدگاه‌های مطرح‌شده در پژوهش‌های داخلی، به‌ویژه مدل مؤدت و رحمت هدایت‌شده و تبیک (۱۴۰۳) که رابطه را به‌عنوان بستری برای رشد متقابل و تقرب می‌بینند، و نیز تأکید جان‌بزرگی و همکارانش (۱۴۰۳) بر «معنادهی مشترک به زندگی» در خانواده درمانگری معنوی، همسو و عمق‌بخش است.

1. Shared Goals.

2. Waller, M. R.

نتیجه اینکه آینده‌نگری مشترک، چارچوب زمانی و محتوایی را فراهم می‌آورد که تمام مؤلفه‌های پیشین در آن معنا می‌یابند. به عبارت دیگر، خودتنظیمی اخلاقی و خویش - رابطه آگاهی برای تحقق چه چیز به کار گرفته می‌شوند؟ امنیت اقتصادی عادلانه، در خدمت کدام غایت کلان فراهم می‌شود؟ پاسخ در آینده‌نگری مشترک ارزش بنیان نهفته است. این عامل، به تمام تلاش‌های خردمندانه زوجین جهت، انسجام و معنا می‌بخشد. این چشم‌انداز مشترک است که تعهد مسئولانه را از یک حالت ایستا به یک حرکت پویا تبدیل می‌کند و تصمیم‌گیری مشارکتی را از حل مسائل روزمره به سطح طراحی سرنوشت مشترک ارتقا می‌دهد. بدون این چشم‌انداز، تعامل خردورزانه می‌تواند در حل مسائل کوتاه‌مدت محصور بماند و از غایت متعالی خود دور شود.

عوامل زمینه‌ای سکو و سازوکارهای پایدار برای جاری‌سازی خردورزی در زندگی روزمره را فراهم می‌کنند. با این حال، زندگی زناشویی همواره در معرض رویدادهای غیرمنتظره، بحران‌ها و آزمون‌هایی است که می‌تواند این سکوها را به لرزه درآورد. در اینجا است که نقش عوامل تعدیل‌گر آشکار می‌شود. این عوامل، به منزله سیستم‌های انعطاف‌پذیر و ترمیم‌گر عمل می‌کنند که هنگام مواجهه با تنش‌ها یا شکاف بین آرمان‌ها (آینده‌نگری) و واقعیت‌ها، از فروپاشی فرآیند خردورزی جلوگیری کرده و به رابطه کمک می‌کنند تا نه تنها آسیب نبینند، بلکه از آن بحران‌ها سخت‌تر و خردمندتر بیرون آید.



۲۰۳

ج) عوامل تعدیل‌گر تعامل خردورزانه همسران

تحقق تعامل خردورزانه، نیازمند عملکرد هماهنگ مؤلفه‌های هسته‌ای در بستری از عوامل زمینه‌ای مساعد است. با این حال، چالش‌های غیرمنتظره زندگی می‌توانند هر دوی این سطوح را تحت فشار قرار داده و تعامل را دچار اختلال کنند. در اینجا، مجموعه‌ای از عوامل تعدیل‌گر وارد عمل می‌شوند. این عوامل دو کارکرد کلیدی دارند: نخست، به عنوان تقویت‌کننده انعطاف‌پذیر، از مؤلفه‌های هسته‌ای در برابر تلاطم‌ها محافظت کرده و تداوم آنها را ممکن می‌سازند؛ دوم، به عنوان تثبیت‌کننده، به حفظ و تحکیم شرایط زمینه‌ای مطلوب (مانند خودتنظیمی و آینده‌نگری) در شرایط دشوار کمک می‌کنند. به این ترتیب، عوامل تعدیل‌گر نه تنها نقش ترمیمی، بلکه نقشی پیش‌گیرانه و تسهیل‌گر در تحقق کامل الگوی تعامل خردورزانه ایفا می‌کنند.

۱. اعتماد الهی (توکل فعال)

در هنگامه بحران‌ها و ناپایداری‌ها که فشار بر عوامل زمینه‌ای و هسته‌ای افزایش می‌یابد، اعتماد الهی (توکل) به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین عامل تعدیل‌گر وارد عمل می‌شود. در الگوی قرآنی،

این اعتماد نه یک تسلیم‌شدگی منفعلانه، بلکه یک «توکل فعال» است؛ یعنی اتکای آگاهانه به حکمت و مدد الهی پس از به‌کارگیری تمام ظرفیت عقلانی و اخلاقی خود (همان‌گونه که در مؤلفه‌های خودتنظیمی و تصمیم‌گیری مشارکتی تشریح شد). این باور، با ایجاد یک تکیه‌گاه معنوی فراتر از محدودیت‌های مادی و انسانی، دو کارکرد حیاتی دارد: اول، بار هیجانی سنگین بحران را با واگذاری امور به خدا سبک کرده و فضای روانی لازم برای بازنگری فراشناختی و خروج از بن‌بست را فراهم می‌آورد؛ دوم، با تقویت حس معناداری و اطمینان به یک پشتیبان کلان، تاب‌آوری فرد و رابطه را در برابر شوک‌های زندگی به شدت افزایش می‌دهد.

این نگاه، با تحقیقات روان‌شناسی در باب «منبع کنترل مذهبی»^۱ و تأثیر مثبت باورهای دینی بر سازگاری با استرس همسوس است، اما تمایز آن در فعال بودن و عقلانی بودن این اتکا است که مانع از رخوت یا انفعال می‌شود (پارگمنت، ۱۹۹۷).^۲ این تفسیر با پژوهش‌های داخلی مانند فاطمی‌نیک و همکاران (۱۳۹۶) که توکل را «اصل فعال‌ساز معنوی» در مواجهه با تعارض می‌داند، و نیز با مطالعات صفورایی‌پاریزی (۱۳۸۲) که احساس امنیت ناشی از ایمان را پایه رضایت می‌شمارد، همخوانی دارد. اعتماد الهی، پشتیبانی است که به خودتنظیمی اخلاقی عمق می‌بخشد و آینده‌نگری را از دغدغه‌های مفرط‌رها می‌سازد. این آرامش درونی ناشی از توکل، بستر هیجانی مساعدی را برای ظهور عامل تعدیل‌گر بعدی، یعنی «بخشش» فراهم می‌کند؛ زیرا بخشیدن خطای دیگری، زمانی ممکن است که فرد خود در آرامش یک تکیه‌گاه امن قرار داشته باشد و بار انتقام‌جویی یا تلخی را به دوش نکشد.

۲. تاب‌آوری صبورانه (حِلْم)

آرامش ناشی از اعتماد الهی، بستر هیجانی را برای مواجهه با سختی‌ها فراهم می‌کند، اما استمرار و عبور از این سختی‌ها نیازمند یک توانایی کنش‌گرانه است. این نقش را دومین عامل تعدیل‌گر، یعنی «تاب‌آوری صبورانه» ایفا می‌کند. در منطق قرآنی، تاب‌آوری چیزی فراتر از تحمل منفعلانه است، بلکه «صبر»ی فعال و مبتنی بر «تقوا» است که با بینش حکیمانه به رویدادها (اینکه «پس از هر سختی، آسانی است»^۳ (انشراح: ۶) و «در ناخوشایندی، خیری نهفته است»^۴ (نساء: ۱۹) همراه

1. Religious Locus of Control.

2. Pargament, K. I.

۳. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

۴. «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُمْ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا».

می‌شود. این ترکیب، یک توانمندی پویا ایجاد می‌کند که به رابطه امکان می‌دهد با حفظ ساختار خود، از بحران‌ها عبوره کرده و حتی قوی‌تر و خردمندتر گردد. این فرآیند مستلزم حفظ خودتنظیمی اخلاقی در اوج فشار و به‌کارگیری تصمیم‌گیری مشارکتی برای یافتن راه‌حل‌های نو است. این نگاه، با مفهوم تاب‌آوری خانواده^۱ در روان‌شناسی (والش، ۲۰۱۶) و نقش خودتنظیم‌هیجانی (گاتمن، ۲۰۱۴) در آن همخوانی دارد، اما عمق بخش قرآنی آن، ماهیت اخلاقی و معنوی این تاب‌آوری است که آن را به یک فضیلت تبدیل می‌سازد. این تفسیر با پژوهش‌های داخلی مانند جان‌بزرگی و همکاران (۱۴۰۳) که «صبر توأم با حکمت» را کلید عبور از بحران‌های خانوادگی می‌دانند و نیز با تأکید هدایت‌شده و تبیک (۱۴۰۳) بر «رحمت» به‌عنوان مراقبت فعال در زمان رنج، همسو است. تاب‌آوری قرآنی، رابطه را از حالت انفعال بیرون آورده و به آن توان بازیابی فعال می‌بخشد. این ظرفیت تحمل و بازگشت، پیش‌نیاز ضروری برای ظهور عامل تعدیل‌گر بعدی، یعنی «بخشش» است؛ زیرا فرآیند بخشش، خود نیازمند انرژی روانی و ثبات عاطفی است. فردی که از تاب‌آوری لازم برخوردار نباشد، ممکن است در چرخه تلخی و انتقام گرفتار بماند، اما تاب‌آوری، با کاهش حالت قربانی‌پنداری و افزایش احساس کارآمدی، فرد را به سمتی سوق می‌دهد که بتواند خطا را ببیند، رنج را تحمل کند و در نهایت، برای رهایی از بار آن، مسیر بخشش را در پیش گیرد.



۲۰۵

۳. بخشش آگاهانه

توانمندی ناشی از تاب‌آوری صبورانه، فرد را از حالت انفعال خارج کرده و به او قدرت تحمل و عبور از رنج را می‌دهد. در این مرحله، راه برای یک تصمیم بنیادین و فعال‌کننده باز می‌شود. بخشش: در این الگو، بخشش نه یک احساس زودگذر یا یک وظیفه اخلاقی منفعل، بلکه یک «تصمیم آگاهانه و عقلانی مبتنی بر تقوا» است که همانند یک جراحی اخلاقی، بافت‌های عفونی‌شده رابطه (کینه و انتقام) را می‌زداید تا التیام و رشد دوباره ممکن شود. این تصمیم، ریشه در خویش - رابطه آگاهی توحیدی دارد؛ زیرا بخشنده، هم‌زمان که خطای طرف مقابل را می‌بیند، با درک جایگاه انسان و لطف الهی نسبت به خود، ظرفیت گذشت را در خود می‌یابد. آیات قرآن نیز بر این جنبه انتخاب آگاهانه (تصمیم برای «صلح» و «عفو») تأکید دارند.

این نگاه، با پژوهش‌های روان‌شناسی در زمینه بخشش به‌عنوان یک فرآیند تصمیم‌گیری (انزایت،^۲

1. Family Resilience.

2. Walsh, F.

3. Enright, R. D.

(۲۰۰۱) و نقش آن در ترمیم روابط (مک‌کالت،^۱ ۱۹۹۸) همسو است، اما وجه تمایز آن، انگیزش عمیقاً اخلاقی و معنوی این تصمیم است که آن را از یک استراتژی سودمندگرایانه متمایز می‌کند. این تفسیر با یافته‌های پرچم و فتاحی سده (۱۳۹۵) که بخشش را تجلی عینی «رحمت»، «معجت» و «تربیت معنوی» عملی می‌دانند، و نیز با تأکید جان‌بزرگی و همکاران (۱۴۰۳) بر «آمرزش‌گری» به‌عنوان یک مرحله کلیدی در درمان تعارض معنوی، کاملاً هماهنگ است. بخشش آگاهانه، چرخه معیوب تقابل منفی و کینه‌توزی را که می‌تواند تمام مؤلفه‌های هسته‌ای را فلج کند، می‌شکند. این شکستن چرخه، شرط لازم برای رسیدن به آرامش نهایی و عامل تعدیل‌گر چهارم، یعنی «رضایت درونی» است؛ زیرا رضایت واقعی در رابطه، در بستر کینه و حسرت قد نمی‌کشد، بلکه محصول پذیرش گذشته‌ای است که با بخشش، از بار سنگین هیجانی آن کاسته شده و فضایی برای قدردانی از خوبی‌ها و تمرکز بر حال و آینده فراهم آمده است.

۴. رضایت درونی به‌مثابه آرامش پایدار و غایت متعالی

فرآیند ترمیم و پالایش رابطه که با بخشش آگاهانه تکمیل شد، زمینه را برای دستیابی به عمیق‌ترین حالت تعادل، یعنی «رضایت درونی حکیمانه» فراهم می‌آورد. این رضایت، نقطه پایانی یا حالت ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا و مبتنی بر پذیرش و بصیرت است. در این الگو، رضایت حاصل سه پذیرش کلیدی است: ۱. پذیرش واقعیت تفاوت‌های نقشی و ظرفیت‌ها نه به‌عنوان تبعیض، بلکه به‌عنوان تنوع حکیمانه در نظام آفرینش (نساء: ۳۲)؛ ۲. پذیرش مسئولیت‌های خود در چارچوب عدالت و معروف؛ ۳. پذیرش تقدیر الهی با نگاهی حکیمانه؛ به این معنا که حتی ناملایمات، آموزگار صبر و زمینه‌ساز رشد هستند. این پذیرش‌ها، منجر به نوعی «سکینه قلبی» (آرامش عمیق) می‌شود که مستقل از نوسانات مادی و عاطفی بیرونی است.

این نگاه، با مفهوم رضایت زناشویی^۲ در روان‌شناسی و اهمیت تنظیم انتظارات و انعطاف‌پذیری شناختی در آن (جانسون، ۲۰۱۸) همخوانی دارد، اما ژرفای وجودی رضایت قرآنی آن را متمایز می‌سازد. در روان‌شناسی، رضایت عمدتاً بر اساس ارزیابی هزینه - فایده رابطه تعریف می‌شود؛ درحالی‌که رضایت درونی حکیمانه، از یک بازنگری فراشناختی عمیق در مورد معنای زندگی مشترک و رابطه فرد با خدا سرچشمه می‌گیرد. این تفسیر با یافته‌های حیدرپور دامنجانی (۱۴۰۲) که

1. McCullough, M. E.

2. Marital Satisfaction.

رضایت نهایی را در «قناعت مبتنی بر ایمان» و جوادی فر (۱۳۹۲) که آن را در «تسلیم آگاهانه در برابر حکمت الهی» می‌داند، کاملاً منطبق است.

نتیجه اینکه رضایت درونی حکیمانه، به عنوان والاترین عامل تعدیل گر، کارکردی چرخه‌ای و تقویت کننده برای کل الگو دارد. این رضایت پایدار، انرژی هیجانی و شناختی را که پیش تر صرف کشمکش، کینه یا نارضایتی می‌شد، آزاد می‌کند و آن را به سمت تحکیم عوامل زمینه‌ای (مانند تعمیق خویش - رابطه آگاهی و تقویت آینده‌نگری) و غنابخشی به مؤلفه‌های هسته‌ای (مانند تعمیق پیوند عاطفی و تعهد) هدایت می‌نماید. به این ترتیب، رضایت درونی هم ثمره یک چرخه موفق از خردورزی است و هم سوخت لازم برای استمرار و تعالی چرخه‌های بعدی آن. این عامل، تضمین می‌کند که رابطه نه تنها از بحران‌ها جان سالم به در ببرد، بلکه با حکمت و آرامشی پایدار، به مسیر رشد متعالی خود ادامه دهد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی. مطالعات قرآن و حدیث، ۱(۲)، ۱۸۳ - ۲۱۵.
- استاجی، علی (۱۳۹۲). نظریه اقتصاد خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد. دانشگاه امام صادق (ع). دانشکده اقتصاد.
- بیات، علی (۱۳۹۹). تدوین مدل مفهومی خرد و فرآیند خردورزی بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- بیات، علی؛ رفیعی‌هنر، حمید و جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۴۰۱). مفهوم‌شناسی خرد در روان‌شناسی و تناظرشناسی مفاهیم آن در منابع اسلامی. روان‌شناسی و دین، ۱۵(۳)، ۲۷ - ۴۶.
- پرچم، اعظم و فتاحی سده، فاطمه (۱۳۹۵). کارکرد بخشش در تحکیم و آرامش خانواده از منظر قرآن. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳(۳۷)، ۶۶ - ۸۸.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۱). رضایت زناشویی. قم: دار الحدیث.
- ثناگویی‌زاده، محمد (۱۴۰۲). اثربخشی خانواده درمانی مذهبی با رویکرد اسلامی بر کارآمدی خانواده، رضایت زناشویی و شاخص‌های غنی‌سازی ارتباط والدین دارای فرزند نوجوان. روان‌شناسی فرهنگی، ۱۷(۱)، ۲۰۸ - ۲۳۵.

جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۳). خانواده در مان‌گری معنوی خداسو. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جوادی‌فر، زهرا السادات (۱۳۹۲). شاخصه‌ها و آثار تسلیم در برابر خدا از منظر قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم حدیث (گرایش تفسیر اثری). دانشکده علوم حدیث. حیدرپور دامنجانی، صادق (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل نقش قناعت در رضایت‌مندی از زندگی اخلاق فردی. هفتمین همایش بین‌المللی مطالعات دینی، علوم انسانی و اخلاق زیستی در جهان.

حیدرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۷). نسبت کرامت ذاتی به حقوق انسانی در قرآن کریم. حقوق بشر اسلامی، ۱۴(۷)، ۲۹ - ۵۵.

خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. خانواده‌پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۱۱ - ۶۲۰.

خسروی، یاسر؛ پناهی‌زاده، مریم و خیشه، محمدمراد (۱۴۰۳). نقش فضیلت خویش‌داری در درمان اختلالات روانی انسان با تکیه بر آموزه‌های قرآنی. مطالعات اعتقادی سیاسی، ۲(۴)، ۱۳۴ - ۱۴۹.

خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۹۱). ازدواج به مثابه پیمان بزرگ: معناشناسی تطبیقی «ميثاق غلیظ» در قرآن. کتاب قیم، ۲(۶)، ۷۵ - ۱۰۵.

رضاپور میرصالح، یاسر؛ مصیبی اردکانی، ملیحه؛ خندقی، زهرا و ناظمی، بتول (۱۴۰۰). شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر تعارضات اولیه زناشویی در زوجین تازه ازدواج‌کرده با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM). خانواده‌پژوهی، ۶۸(۱۷)، ۵۴۱ - ۵۶۰.

زارعی توپخانه، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود و احمدی محمدآبادی، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن. روان‌شناسی و دین، ۶(۳)، ۵۳ - ۷۰.

شهریاری‌پور، رضا؛ نجفی، سمیرا؛ امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ رئوفی، مصطفی و مرادی، افشار (۱۳۹۶). نقش دین‌داری و مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی تعهد زناشویی دانشجویان. پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۳)، ۱۲۶ - ۱۴۵.

صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۲). ایمان به خدا و نقش آن در کاهش اضطراب. معرفت، ۱۲(۷۵)، ۹ - ۱۸.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

فاطمی نیک، طیب؛ سودانی، منصور و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش آموزه‌های دینی بر تعارضات زناشویی زوج‌ها. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۳(۶)، ۱۱۷ - ۱۴۴.

کافی، عبدالحسین و مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۲). نسبت «توجه به علم خدا» و «خویشترن‌داری در انسان» از دیدگاه آیات و روایات. پژوهش‌های اخلاقی، ۴(۲)، ۵ - ۱۹.

گودرزی، حیدر و سجادی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۹). بررسی لغوی و تفسیری و فقهی واژگان کلیدی آیه «حکمیت در خانواده». آموزه‌های قرآن و عترت، ۲(۴)، ۴۵ - ۶۷.

مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۸). جایگاه مشورت. فرهنگ کوثر، ۱۲(۷۷)، ۲۱ - ۳۱.

هدایت‌شده، سعید و تبیک، محمدتقی (۱۴۰۳). مدل مفهومی مؤدت و رحمت در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی فرهنگی، ۸(۱)، ۲۹۶ - ۳۲۱.

هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۳). ماهیت حکمیت (در دعاوی خانواده) در آیه ۳۵ سوره نساء. قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۱۱(۱)، ۱۶۷ - ۱۸۹.



- Aghababaei, N. & Tibke, R. A. (2013). Religious and moral commitments predict empathy and forgiveness. *Journal of Psychology and Theology*, 41(1), 5-14.
- Amato, P. R. (2001), The impact of family formation change on the cognitive, social, and emotional well-being of the next generation. *Future of Children*, 11(1), 75-96.
- Bandura, A. (1991). Social cognitive theory of self-regulation. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 248-287.
- Bangen, K. J., Meeks, T. W. & Jeste, D. V. (2013). Defining and assessing wisdom: a review of the literature. *The American journal of geriatric psychiatry: official journal of the American Association for Geriatric Psychiatry*, 21(12), 1254-1266.
- Bardin, L. (2011). *Analyzing Content*, Sage Publications.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Brown, K. W. & Ryan, R. M. (2003). The benefits of being present: Mindfulness and its role in psychological well-being. *Journal of Personality and Social*

- Psychology*, 84(4), 822-848.
- Conger, R. D., Elder, G. H., Jr., Lorenz, F. O., Conger, K. J., Simons, R. L., Whitbeck, L. B., Huck, S. & Melby, J. N. (1990). Linking economic hardship to marital quality and instability. *Journal of Marriage and Family*, 52(3), 643-656.
- Depp, C. A. & et al. (2017). A new scale for assessing wisdom based on common.
- Deutsch, M. (1973). *The resolution of conflict: Constructive and destructive processes*. New Haven: Yale University Press.
- domains and a neurobiological model: The San Diego Wisdom Scale (SDWISE).
- Enright, R. D. (2001). Forgiveness is a choice: A step-by-step process for resolving anger and restoring hope. American Psychological Association.
- Erikson, E. H. (1964). Insight and Responsibility: Lectures on the Ethical Implications of Psychoanalytic Insight. W. W. Norton & Company.
- Goleman, D. (1995). Emotional intelligence. Bantam Books.
- Gottman, J. M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. Lawrence Erlbaum Associates.
- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. New York: W. W. Norton & Company.
- Gottman, J. M. (2014). What makes love last? How to build trust and avoid betrayal. Simon & Schuster
- Hayes, S. C., Strosahl, K. D. & Wilson, K. G. (2011). *Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change (2nd ed.)*. New York: Guilford Press.
- Hendrix, H. (2001). Getting the Love You Want: A Guide for Couples. HarperCollins.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.

- Johnson, M. P. (1999). Personal, moral, and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint. In J. M. Adams & W. H. Jones (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (p. 73-87). Kluwer Academic/Plenum Publishers.
- Johnson, S. M. (2018). The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection (2nd ed.). Routledge. *Journal of Psychiatric Research*.1-23.
- Jung, C. G. (1964). *Man and his symbols*. Doubleday & Company.
- Kabat-Zinn, J. (1990). *Full catastrophe living Using the wisdom of your body and mind to face stress, pain and illness*. New York, NY Delacorte .
- Kelly, E. L. & Fletcher, J. (2017). *Couples and shared decision-making*. In J. Fitzgerald (Ed.). *Foundations for couples' therapy* (p. 223-235). New York: Routledge.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
- Lee, J. A. (1977). A typology of styles of loving. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 3(2), 173-182.
- Linden, M. (2014). Promoting Resilience and Well- being with Wisdom and Wisdom f11therapy. In: G. A. Fava & C. Ruini (Eds.). *Increasing Psychological well- being in clinical setting. Cross - cultural Advancements in Positive Psychology*, 8, 75-90.
- Lyubomirsky, S. & Layous, K. (2008). How do simple positive activities increase well- being? *Current Directions in Psychological Science*, 17(6), 342-347.
- McCullough, M. E. (1998). Forgiveness as human strength: Theory, measurement, and links to well-being. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19(1), 43-55.
- Morris, R. J. & colleagues.(2015),The role of communication in marital satisfaction. *Journal of Marriage and Family*, 77(3), 678-693.

- Pargament, K. I. (1997). The psychology of religion and coping: Theory, research, practice. Guilford Press.
- Rusbult, C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology*, 16(2), 172-186.
- Seligman, M. E. P., Steen, T. A., Park, N. & Peterson, C. (2005), Positive psychology progress: empirical validation of interventions. *American Psychologist*, 60(5), 410-421.
- Staudinger, U. M. Smith, J. and Baltes, P. B. (1994). *Manual for assessment of wisdom - related knowledge*. (Technical Report, 46). Berlin: Max Planck Institute for Human Development.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.
- Taylor, M., Bates, G. & Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self- Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the ThreeDimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*, 37(2), 129-141.
- Thomas, M. L., Bangen, K. J., Palmer, B. W., Sirkin Martin, A., Avanzino, J. A., Waller, M. R. (2019). Planning for the future: Shared goals and relationship quality among couples with children. *Journal of Marriage and Family*, 81(4), 839-857.
- Walsh, F. (2016). Strengthening family resilience (3rd ed.). Guilford Press.
- Walster, E., Berscheid, E. & Walster, G. W. (1978). *Equity: Theory and research*. Boston: Allyn and Bacon.